

بسم الله الرحمن

الرحیم

زندگینامه:

نام: همنام پیامبر (محمد)

پدر و مادر: امام حسن عسکری و نرجس

شهرت: مهدی موعود، امام عصر، صاحب الزمان، بقیه الله، قائم، ...

کفالت پدر: به طور مخفی بسربرد.

دوران زندگی: در چهار بخش

۱- در دوران کودکی در پنج سال تحت سرپرستی پدر در پشت پرده خفاء، تا از گذند دشمنان

کحفوظ بماند و هماغامی که در سال ۲۶۰ پدرش شهید شد، مقام امامت به او محول گردید.

۲- غیبت صغری: از سال ۲۶۰ هـ ق شروع شد و در سال ۳۲۹ که حدود ۷ سال میشود پایان

یافت (اقوال دیگری نیز گفته شده است).

۳- غیبت کبری: از سال ۳۲۹ شروع شد، و تا وقتی که خدا بخواهد ظهور کند، ادامه یافت.

۴- دوران درخشان ظهور آن حضرت و حکومت جهانی او.

انتظار چیست؟

یکی از وظایف منتظران راستین ظهور مصلح بزرگ جهانی، این است که هرگونه ابهام و تردید را از دل ناامیدان و منکران بزدایند و شور و نشاط و امید را جایگزین آن گردانند.

وعده های ظهور امام زمان (عج) در شعر و کلام اندیشمندان :

وعده های تحقق دولت عدل الهی، انتظار و ثواب منتظران و بعضی از وظایف آنها در دوران پر آشوب و آکنده از ظلم و ستم روزگار غیبت امام زمان علیه السلام در شعر و کلام بعضی اندیشمندان به وضوح دیده می شود که به نوعی امید را در قلوب ایجاد می نمایند. در این مطلب به بعضی از آن موارد اشاره ای گذرا می شود:

۱. خواجه نصیرطوسی، در کتاب کشف المراد آورده است: " غیبت او، مربوط به خود ما است."

یعنی عدم آمادگی ما نسبت به ظهور امام، باعث به تعویق افتادن ظهور حضرت می شود. پس باید هر چه بیشتر و سریعتر خود را آماده انقلاب امام زمان (عج) بنماییم.

۲. اسدی طوسی، در گرشاسب نامه سروده است:

از این پس نباشد پیمبر اگر

به آخر زمان، مهدی آید به در

بگوید خط و نامه کردگار

کند دین پیغمبری، آشکار

بدارد جهان بر یکی دین پاک

برآرد ز دجال و خیلش هلاک

رسد ز آسمان هر پیمبر فراز

شوند از پس "مهدی" اندر نماز

۳. خواجه حافظ شیرازی، دیوان:

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل

بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید

۴. امام خمینی(ره)، در کتاب کوثر:

کسی که عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، حضرت مهدی است، آن هم نه

عدالت در زمین برای رفاه مردم، بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت.

۵. آیه الله طالقانی، در کتاب آینده بشریت از نظر مکتب ما:
آن دینی که پیشوایان حق دستور می دهند که چون اسم صریح "قائم به حق" و
موسس دولت حقه اسلام برده می شود همه برپا بایستید و آمادگی خود را برای
اجرای تمام اوامر و دستورات، بدین وسیله اعلام نمایید، و خود را همیشه نیرومند و
مقتدر برای اقامه حق در برابر بدخواهان نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مُرد.

۶. علامه طباطبائی، در تفسیرالمیزان:
حق این است که آیه شریفه (نور/۵۴) جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی علیه
السلام به زودی منعقد می شود قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست.

۷. علامه جعفری، در ترجمه و تفسیر نهج البلاغه:
در آن روزهای الهی (ظهور)، چهره نورانی آن انسان کامل (حضرت مهدی علیه
السلام)، چهره حقیقی قرآن را روشن خواهد ساخت. آرا و نظریات پیش ساخته که بر
مبنای آلودگی های مغزی و تمایلات درونی شکل گرفته اند، توانائی رویارویی با آن
قیافه نورانی قرآن را از دست خواهند داد...

۸. محمد تقی شریعتی، سقراط خراسان:

عمر طولانی تر از حد طبیعی، نظایر فراوان دارد که در کتب مربوطه نقل شده و به نص قرآن، حضرت نوح نهصد و پنجاه سال در میان قومش درنگ کرد. بنابراین برمبنای هیچ قاعده و به استناد هیچ قانونی، چه عملی، چه عقلی و فلسفی، منکرین حق تخطئه و رد و انکار اعتقاد به ولی عصر(عج) را ندارند.

او در این عالم، مثل قلب در وجود آدمی است و از جزئی و کلی امور این جهان درست همچون قلب نسبت به بدن آگاه است.

همه روزه اعمال خیر و شر افراد به نظر مبارکش می رسد، از کارهای زشت شیعیان دلگیر و متاثر می گردد، و اعمال شایسته آنها، او را شادمان می سازد و درباره انجام دهنده اش دعای خیر می کند. اگر فقط یک روز از عمر دنیا بیش نماند، حتما ظهور می فرماید و جهان را پر از عدل و داد می کند پس از آنکه از جور و فساد لبریز شده باشد.

وظیفه شیعه این است که همواره منتظر ظهور باشد و از خدا بخواهد و دعا و ندبه کند. از بزرگترین عبادات همین انتظار است که شب های قدر، بلکه هر شب جمعه، حتی همه شب، این انتظار را داشته و به این امید و نیت به رختخواب رود، و ضمناً خود را آماده یاری آن بزرگوار نماید.

بزرگترین آرزوی شیعه این است که فرج آل محمد(ص) را دریابد و از اصحاب امام زمان علیه السلام باشد، اگر در این آرزو و در انتظار مرد، به شهادت رسیده و اگر به آن رسید، به سعادت ابدی نائل گشته است.

۹. استاد شهید مرتضی مطهری، در کتاب قیام و انقلاب مهدی(عج):
مهدی موعود(عج) تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است.

۱۰. دکتر شریعتی، در کتاب انتظار مذهب اعتراض:
"انتظار"، هم یک اصل فکری اجتماعی و هم یک اصل فطری انسانی است، به این معنا که اساسا انسان موجودی است منتظر و هر که انسان تر، منتظرتر.
"انتظار" به بشر، آینده گرایی و بینش بزرگ می دهد. اما بشر امروز در نظام پلید مصرفی، انتظار را از دست داده و فقط منتظر اتوبوس ایستاده است.

"منتظر"، انسان معتمدی است که هر لحظه در انتظار انفجار قطعی نام های ضدانسانی است و همواره خود را برای شرکت در چنین انقلاب جهانی؛ که با شمشیر علی و زره پیغمبر و به دست فرزند پیغمبر و علی(علیه السلام) برپا می شود، آماده می کند.

۱۱. شهید سید محمد باقر صدر، انقلاب مهدی(عج) و پندارها:

"مهدی" اسلام، انسان معینی است که در کنار ما با تمام وجودش زندگی می کند، و برای ما در همه این دردها، غصه ها و آتش تاخت و تازهای ستمگران... می سوزد. و خود او هم در انتظار آن لحظه ای است که بتواند دستش را به سوی ستمدیده محروم دراز کند و ریشه ستمگران را از بن بکند.

۱۲. محمدرضا حکیمی، در کتاب خورشید مغرب:

"انتظار"، در درون تاریکی و سردی ها، به دمیدن سپیده دمان چشم داشتن، و به امید طلوع خورشید زیستن!
در جهان آکنده از ستم و بیداد، دست و پا زدن و از شادمانی طلوع طلیعه جهان آکنده از داد و دادگری سرشار بودن!

در برابر کوه مشکلات زمانه قرار گرفتن، و چون کوه مقاوم بودن!
شمشیرها و شهادت ها را پذیرا شدن و خط ها و شهامت ها را پاس داشتن!
این است "انتظار"، شعار شورآور منتظران، مقاومتان، پایداران، شیعیان، مهدی طلبان تاریخ.

انتظار، در ماهیت خود، انسان منتظر را متوجه خدای جهان می کند. منتظران، چشم به راه "مهدی" (عج) هستند. مهدی علیه السلام (همان) بنده خدا، که به قدرت خدا زنده است.

توجه به خدا و طلب فرج از درگاه خدا، از مهم ترین اصول این اعتقاد است.

منتظران باید همیشه روی دل به سوی خدا کنند و از پیشگاه لایزال، طلب گشایش و فرج نمایند.

انسان منتظر حکومت علی وار مهدی علیهماالسلام، علاوه بر تدین و تقوی، باید پارسا باشد و خود را چنان که آن پیشوا دوست دارد، بسازد و بدارد، و به او و یاران او شباهت به هم رسانده تا به لطف خدا در شمار آنان به حساب آید.

انسان منتظر باید دارای اخلاق اسلامی باشد، و جامعه منتظر باید مظهر اخلاق اسلامی باشد. شیعه باید با رفتار انسانی، همواره مایه زینت و افتخار ائمه طاهرين عليهم السلام باشد نه مایه ننگ آنان. و این رعایت، در دوران غیبت امام، واجب تر است.

دوران انتظار، دوران تکلیف است. و آن تکلیف، نگرهبانی دین خداست در سطح فرد و در سطح اجتماع.

در عصر انتظار، ممکن است شبهه هایی در ذهن برخی به وجود بیاید، یا شیاطین پنهان و یا شیاطین آشکار، به سست کردن پایه های اعتقادی افراد برخیزند. باید در برابر این شبهه ها مقاومت کرد و آنها را از ذهن ها زدود.

نگهبانان میراث قرآنی و فرهنگ تربیتی اسلامی باید در برابر همه این تهاجمات پایداری کنند.

امید که همگی ما، خود را در برابر این مسئولیت خطیر، مسئول بدانیم و لحظه ای از وظیفه خویش در راه دفاع از دین خدا غافل نشویم.

امام منتظر و اعلام قیامت

اسماعیلیان گروه دیگری از شیعیان بودند که در مصر، بخش هایی از سوریه و ایران،

ابتدا در برابر خلفای عباسی و سپس در برابر ترکان سلجوقی به قدرتی بلامنازع

تبدیل شدند. اسماعیلیه ایران اگرچه نتوانستند قلمروی یکپارچه فراهم آورند ولی

هسته هایی از دژهای مستحکم در سراسر ایران آن روزگار ایجاد کردند که می

توانست خطری بالقوه برای حکومت های سنی مذهب متعصب باشد. دژهای

اسماعیلیان در کوههای البرز، در زاگرس و در ارتفاعات افغانستان کنونی از قدرتی

انکارناپذیر برخوردار بودند.

در آن زمان بیشتر جمعیت ایران سنی مذهب بودند " در " کتاب النقص " نصیرالدین

ابوالرشید قزوینی "، که از آثار جدلی شیعه در ۵۶۰ ق است، کوششی در جهت به

دست دادن جغرافیای نحله ای ایران به عمل آمده. مولف اظهار می کند که خراسان

و ماوراء النهر و بخشی از عراق (عجم = مرکز ایران و محدود به اصفهان تهران و

همدان و مشتمل بر شهرهای اراک (سلطان آباد)، همدان، گلپایگان، اصفهان، ملایر و

کرمانشاهان) در کلام حنفی و معتزلی بودند، آذربایجان تا مرزهای آناتولی و همدان،

اصفهان، ساوه و قزوین مذهب شافعی داشتند... نواحی لرستان، خوزستان،

کرج (ابودلف در نزدیکی اراک)، گلپایگان، بروجرد و نهاوند پر از مشبهه یا مجسمه (اهل تجسم) بود و مازندران، قم، کاشان و آوه پیرو مذهب شیعه بودند. " اگرچه اسماعیلیان در اعتقادات و باورها با شیعیان امامیه اختلاف داشتند ولی به خاطر برخی تشابهات در زمره گروه های شیعه قلمداد می شدند، آنان نیز چون شیعیان امامیه معتقد بودند که امام از سوی امام پیشین انتخاب می شود. " اسماعیلیان، اسماعیل پسر امام جعفر صادق (ع) و پسر اسماعیل را امامان منصوص می دانستند. اما تا سال های دراز عقیده داشتند که امامان، غایب و غیر فعال می باشند. " ایشان امامان پس از امام جعفر صادق را گمراه می دانستند. گروه های شیعی در سده های نخستین اسلامی برای در امان ماندن از سخت گیری های خلفای عباسی، در حواشی قلمرو اسلامی به قدرت دست یافتند و حکومت های محلی ای چون ادریسیان (در افریقا) را تاسیس کردند. تلاش های اقلیت شیعه در نهایت در سال ۲۹۷ ثمر داد و اسماعیلیان از این تاریخ تا ۵۶۷ سلسله قدرتمندی را در مصر تشکیل دادند که اسماعیلیان سایر مناطق قلمرو اسلامی را به نوعی تحت حمایت خود داشت. " اسماعیلیان سراسر ایران، فاطمیان مصر را به عنوان امامان علوی راستین و اخلاف اسماعیل به رسمیت شناختند و در میان کلیه مسلمانان تنها آنان را به عنوان پاسداران میراث روحانی پیامبر شایسته اطاعت و فرمانبرداری دانستند. امام سرانجام با قدرت ظهور کرده بود. " ولی این وحدت چنندات دوام نیاورد

و دو دستگی در سال ۴۸۷ پس از درگذشت المستنصر خلیفه فاطمی رخ نمود. " المستنصر خلیفه فاطمی مصر در سال ۴۸۷ دیده بر جهان فرو بست پسر کهتر المستنصر ... با نام المستعلی به خلافت رسید. اما معروف بود که المستنصر پسر مهتر خود نزار را امام آینده تعیین کرده است. نزار به پشتیبانی گروهی از سپاهیان ... سر به شورش برداشت و تنها دو سال بعد نایره شورش وی فرو نشانده شد... در داخل مصر و یمن بیشترینه اسماعیلیان ... المستعلی را امام راستین شناختند اما در سوریه در میان اسماعیلیان تفرقه شدیدی بروز کرد... اما اسماعیلیان ایران نه در آن هنگام، مداخله فعالی در مصر کردند و نه هیچیک از اخلاف مستعلی را به عنوان مدعی قدرت در مصر به رسمیت شناختند. " این اختلاف حتی با مرگ نزار خاتمه نیافت چرا که شایع بود که اسماعیلیان ایران پسر خردسال نزار را در الموت نزد خود نگاه می دارند، اگر چه این شایعه توسط هیچ یک از اسناد به دست آمده تایید نشده است ولی همین احتمال در آن زمان منشا برخی رویدادها شد که مورد بررسی ما است. روند رو به رشد قدرت اسماعیلیان در ایران با "حسن صباح" آغاز شد و ادامه یافت. به لطف نوشته های "عطاملک محمد جوینی" در کتاب "تاریخ جهانگشای جوینی" که به فتوحات مغولان در ایران می پردازد، ما هم اینک به برخی اطلاعات موثق درباره اسماعیلیان و حسن صباح و اعقاب او دسترسی داریم. هولاکوخان مغول در سال ۶۵۲ به تخریب و برچیدن تمام قلاع اسماعیلیه مبادرت ورزید. جوینی که در

رکاب وی در این فتوحات شرکت جسته بود، بیان می کند که در ابتدا تصمیم بر آن بود که کلیه کتب کتابخانه دژ الموت را در آتش بسوزانند ولی وی از خان مغول درخواست کرد که برخی از کتب را در دسترس وی قرار دهند. از اینجا است که اطلاعاتی از اسماعیلیه از خطر نابودی می رهد. جوینی در این باره چنین گفته است:

" آنچ مصاحف (جمع صحف - کتاب ها) و نفایس کتاب بود بر منوال " یخرج الحی من المیت " از آن میان استخراج می رفت، مجلدی کتاب یافت مشتمل بر احوال وقایع " حسن صباح " که ایشان آن را " سرگذشت سیدنا " خوانند. آنچ مقصود بود و مناسب لیاقت این تاریخ نقل افتاد."

چنین است که ما از آغاز کار حسن صباح اطلاعاتی به دستی می آوریم. در این کتاب از قول حسن صباح نقل می شود: " من مذهب آباء خویش، مذهب شیعه اثناعشری داشتم، در ری شخصی بود " امیره ضراب " نام بر مذهب باطنیان مصر و هر وقت ما را با یکدیگر مناظره می بود و او مذهب مرا کسر می کرد و من مسلم نمی داشتم، اما در دل من آن سخن جای گیر بود، در اثنای آن بیماری مخوف صعب روی نمود، با خویش اندیشه کردم که آن مذهب حق است و از غایت تعصب تصدیق آن نکردم."

حسن صباح از این طریق به مذهب اسماعیلیه پیوست و مورد وثوق و اطمینان " عبدالملک عطاش " رئیس اسماعیلیان در اصفهان قرار گرفت و پس از وقایعی که در پی جانشینی مستعلی و نزار و مرگ نزار پیش آمد " در مقام برجسته ترین داعیان

به عنوان حجت امام شناخته شد. اصطلاح حجت ... به عنوان کسی بود که در سلسله مراتب روحانی آرمانی پس از امام قرار داشت. " بدین ترتیب پایگاه خود را به عنوان رهبر اسماعیلیان ایران تحکیم بخشید و شیوه هایی را به کار گرفت و در آموزه های باطنیان تغییراتی ایجاد کرد. وی خواستار آن بود که جنبشی در میان اسماعیلیان ایجاد کند و این جنبش به تغییر نگرش و تغییر در آموزه ها نیاز داشت. "

"حسن صباح" به کلی در تعلیم و تربیت در بست و گفت خداشناسی به عقل و نظر نیست به تعلیم امام است چه اکثر خلق عالم، عقلا اند و هر کس را در راه دین نظری است، اگر در خداشناسی نظر عقل کافی بودی اهل هیچ مذهب را بر غیر خود اعتراض نرسیدی و همگنان متساوی بودندی، چه همه کس به نظر عقل متدین اند، چون سبیل اعتراض و انکار مفتوح است و بعضی را به تقلید بعضی احتیاج است، این خود مذهب تعلیم است که عقل کافی نیست و امامی باید تا در هر دور، مردم به تعلیم او متعلم و متدین باشند."

آموزه تعلیم و مرجعیت تنها به باطنیان اختصاص نداشت و گروه های دیگر شیعه به ویژه امامیه به این آموزه اعتقاد داشتند. در این آموزه جدید حسن صباح تعلیم و مرجعیت اندکی دگرگون شد " آن امامی راستین است که برای اثبات امامت خویش دلایل عارضی و خارجی نمی آورد، بلکه تنها وجود خود او به عنوان برآورنده نیاز و تنها آن نیاز که تعقل ما می تواند بنمایاند حقانیت وی را تنفیذ می کند. حسن می

گفت این امام، امام اسماعیلیان است. "حسن صباح از این طریق می خواست موقعیت امام و بالنتیجه موقعیت خود را به عنوان حجت امام تحکیم بخشد و اطاعت مطلق پیروانش را در جنبش جدید همراه خود سازد. اسماعیلیان برای اثبات امامت تنها به تنفیذ امام از سوی امام پیشین و ادعای امام اکتفا می کردند و دلایلی چون حجت عقلی و افضلیت امام و ارائه معجزه را (که مورد قبول شیعیان امامیه است) نادیده می گرفتند.

حسن صباح بسیار متشرع بود و در عمل به دستورات دین با نهایت دقت و سخت گیری عمل می کرد. "حسن صباح" بنیاد کار و ناموس بر زهد و ورع و امر معروف و نهی منکر نهاده بود. در مدت سی و پنج سال که در الموت ساکن بود هیچ کس در ملک او آشکارا شراب نخورد و در خم نریخت. تا به حدی که شخصی بر قلعه نای زده بود او را بیرون کرد و دیگر بار بر قلعه راه نداد، و پسری داشت "محمد" نام، او را به شراب خوردن متهم کردند، فرمود تا او را بکشند و قتل هر دو پسر خویشان بر آن حمل می کرد که بعد از وفات او کس را خیال نیفتد که دعوت برای ایشان کردست."

"حسن صباح" در ۵۱۸ درگذشت و پس از او "بزرگ امید" و سپس "محمد بن بزرگ امید" به ترتیب هر کدام تا سال های ۵۳۲ و ۵۵۷ به همان شیوه حسن صباح حکومت کردند. نخستین کس در سلسله اسماعیلیان حسن پسر محمد بن بزرگ امید

بود که از راه و رسم حسن صباح تخطی کرد. "ولادت "حسن" در سنه عشرين و خمس مائه (۵۲۰) بود، چون به سن بلوغ نزدیک رسید هوس تحصیل و بحث اقاویل (جمع قول) مذهب حسن صباح و اسلاف خویش کرد و سخن دعوت را در آن شیوه صباحی و الزامات او نیک تتبع نمود و در تقریر آن بارع (نیکو) کسی که در فضل و دانش بر همگان برتری دارد) گشت. چون آن نوع کلمات را به مواعظ و نکت (نکته) متصوفه در آمیخته بود و از تخریجات (آموخته ها) خویش به غث و سمین (سخن عالی) درین قالب ریخته، سخن های خطابی و امثال آن که به نظر... عوام و مردم ناتمام اعجابی نمایند... پدرش از این شیوه عاری بود. پسرش بدین تلبیسات و تزویقات (حیله) در جنب او عالمی متفوق می نمود از آن سبب ضلالت اهل جهالت بالا می گرفت و عوام به متابعت او رغبت می کرد و چون از پدرش آن مقالات شنیده بودند در گمان می افتادند که امامی که حسن صباح وعده داده است این است. "حسن بن محمد در زمان حیات پدر ادعا می کرد که همان امام غایی است که اسماعیلیان بدان معتقد اند. ولی پدرش که همچنان بر راه شرع و روش حسن صباح ره می سپرد، در نزد مردم این ادعای پسر را دروغ خواند. "محمد (بزرگ امید) چون این حال بشنید و بر ظنون مردم واقف شد... بر پسر انکار بلیغ کرد و مردم را جمع آورد و گفت این حسن پسر من است و من امام نیستم بل از دعاء امام یکی داعی ام و هر کس که این سخن مسموع و مصدق دارد کافر باشد و بی دین. برین

موجب قومی را که امامت پسرش را تصدیق کرده بودند به انواع مطالبات و عقوبات مثله می گردانید و به یک نوبت دویست و پنجاه نفس را بر الموت بکشت. ... حسن نیز از تبعه این خایف گشت و از پدر هراسان شد و... بر ابطال این اقوال و اثبات و استحکام مذهب پدر مبالغت ها نمود "محمد بن بزرگ امید جمعی از جوانان را که گرد پسرش جمع شده بودند دستگیر و به شدت مجازات کرد و حسن از بیم، تن به اطاعت پدر داد و منتظر ماند تا مرگ پدر او را به مقصود برساند. حسن پس از مرگ پدر بر جای او بنشست و در آموزه های حسن صباح تغییراتی عظیم پدید آورد" (حسن بن محمد بزرگ امید) در اوایل جلوس به جای پدر به هر وقت رسوم شرعی و قواعد اسلامی را که از عهد حسن صباح التزام آن نمودندی مسخ و فسخ جایز می داشت... و در رمضان سنه تسع و خمسين و خمس مائه (۵۵۹) بگفت تا در میدانی که به پای الموت است منبری بساختند، چنانک روی به سمت قبله داشت. بر خلاف آنچه قاعده اهل اسلام و چون هفدهم رمضان رسید اهالی ولایات خود را که در آن روزها به الموت استحضار کرده بود فرمود تا در آن میدان مجتمع شدند... او بر منبر رفت و با آن سرگشتگان روز برگشتگان به اغوا... چنان نمود که از نزدیک مقتدی ... امام موهوم که مفقود غیر موجود بود در خفیه نزدیک او کس رسیده است... که امام ایشان در رحمت و ابواب رافت خود بر اسلامیان و بریشان نیز گشوده

و ایشان را ترحم فرستاد و بندگان خاص گزیده خویش خوانده و آصار و اوزار(دستورات) و رسوم شریعت از ایشان برگرفته و ایشان را به قیامت رسانیده." منظور از قیامت در باورهای اسماعیلیه قیامت بزرگ و آخرالزمان بود. "این قیامت پایان یک دوره مذهبی و آغاز گسترش روحانی کمال اخلاقی نه جسمانی بود. پایان زندگی زمینی، زوال نمود ظاهری واقعیت، دست کم آنقدر که برخوردار از معنی و مفاد دینی است، و نیز پایان شریعت زمانی فرارسید که معنی باطنی واقعیت مشهود و آشکار گشت و آنچه از آن پس می بایست اهمیت داشته باشد صرفاً حیات روحانی حالات باطنی نفس بود

حسن بر سر منبر پس از اعلام قیامت خطبه بلینی به عربی ایراد کرد که فردی آن را به فارسی ترجمه می کرد و برای مردم می خواند. "مضمون خطبه آن بود که حسن بن محمد بن بزرگ امید خلیفه و حجت و داعی ماست و شیعه ما در امور دینی و دنیاوی مطیع و تابع او باشند و حکم او محکم دانند و قول او قول ما شناسند و بدانند."

اعلام قیامت مستلزم شرطی بود که حسن از پیش ادعا کرده بود که دارای آن است. وی ادعا داشت که نه فرزند محمد بن بزرگ امید که فرزند یکی از اعقاب نزار است که پنهانی در الموت نگاه داشته می شد. وی ادعا می کرد "و امروز من که حسن ام می گویم خلیفه خدای بر روی زمین منم." ولی همین اعلام قیامت وسیله ای برای

قتل او شد جوینی روایت می کند " از جمله کسانی که هنوز از خدای ترسی و دیانت رایحه ای به مشام ضمائر ایشان می رسیده است یکی برادر زن حسن بود که او را "حسن بن نام آور" گفته اند... چنانک در تواریخ مسطور است او بر افشای آن فضایح و اذالیل (گمراهی ها) صبر نتوانسته است کردن... روز یکشنبه ششم ربیع الاول سنه احدی و ستین و خمس مائه (۵۶۱) بر قلعه لمسر حسن مصل را به کار زد. " حسن نخستین فرد از میان اسماعیلیان ایران است که ادعا کرد که امام غایب است و ظهور کرده است. لازم به ذکر است که امام آخرالزمان از نظر اسماعیلیان نه مهدی پسر امام حسن عسگری که یکی از اعقاب نزار بن المستنصر بود. از این رو حسن با ادعای اینکه از اعقاب نزار است و با اعلام قیامت بر این باور تاکید داشت. پس از حسن پسرش محمدبن حسن به همان شیوه پدر ادامه داد. " پسر او (حسن) محمد... که نص امامت برو کرده بود نوزده ساله بود که به جای پدر نشست... در اظهار بدعت که دعوت به قیامت می خواندند و اباحت از لوازم آن می افتاد از پدر غالی تر بود. " ولی او نیز در سال ۶۰۷ به زهر کشته شد. این دو، تنها امرای اسماعیلی هستند که به مرگ طبیعی نمرده، بلکه به قتل رسیده اند. با مرگ این دو تن، داستان قیامت در میان اسماعیلیه نیز به پایان رسید. پسر محمد دوم "جلال الدین حسن" با پذیرش مذهب سنت به تقابل میان اسماعیلیه و دنیای اهل سنت که با اعلام قیامت، شدت یافته بود، خاتمه داد. " بعد از او به حکم ولایت

عهد پسرش "جلال الدین حسن" به جای او بنشست و هم از ابتدای جلوس اظهار مسلمانی کرد و قوم و شیعت خود را به توییح و تشدید از الحاد منع کرد و بر التزام اسلام و اتباع رسوم شرع داشت."

امام زمان (عج) در دعای امام رضا علیه السلام

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حُقِّقْ بِمَلَائِكَتِكَ وَ آيِدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ أَسْلِكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى وِلْيَتِكَ سُلْطَانًا وَ أئِذْنٌ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بارالها، کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستین (امام مهدی) را اصلاح فرما همانگونه که کار پیامبران و فرستادگان را اصلاح نمودی و از فرشتگان نگاهبانانی بر او بگمار و از سوی خویش با "روح القدس" او را یاری و پشتیبانی فرما و دیده بانانی از پیش رو و پشت سر همراه وی گردان تا از هر بدی نگاهش دارند و ترس و هراس او را به امن و امان دگرگون ساز که او ترا می پرستد هیچ چیز را همتا و همانند تو نمی داند پس برای هیچیک از آفریدگان برتری و چیرگی نسبت به "ولی" خودت قرار مده و او را در جهاد با دشمنیت و دشمنش اجازت فرما و مرا از یاران او بشمار آور که همانا تو بر هر کاری توانائی.

تاریخ انتظار و شکیبایی ما به آن ظلمی که در عاشورا
بر ما رفته است برمی گردد. به آن تیرها که از کمان
قساوت برخاست و بر گلوی مظلومیت نشست، به آن
سم اسبهای کفر که بدنهای پاک را مشبک کرد. به آن جنایتی که دست و پای
مردانگی را برید. از آن زمان تاکنون ما به آب حیات انتظار زنده ایم. انتظار ظهور
منتقم خون حسین علیه السلام، و همه مظلومان پهنه خاک. تاریخ استقامت ما از آن
زمان هم دورتر می رود. از عاشورا می گذرد و به بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
می رسد. او که در مقابل جهل، ظلم، کفر، شرک، عناد و فسادى که جهان آن زمان
را پوشانده بود وعده می فرمود کسی خواهد آمد:
نامش نام من، کنیه اش کنیه من، لقبش لقب من، دوازدهمین وصی من خواهد بود و
جهان را از توحید و عدل و داد پر خواهد کرد.
اما تاریخ صبر و انتظار و بردباری ما را وسعتی است از هاییل تا کنون و تا برخاستن
فریاد جبرئیل در زمین و آسمان و آوردن مژده ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه.
آری! در آن زمان، هستی حیات خواهد یافت؛ عشق پر و بال خواهد گشود و در
رگهای خشکیده علم، خون تازه خواهد دوید. پشت هیولای ظلم و جهل با خاک،
انس جاودان خواهد گرفت. شیطان خلع سلاح خواهد شد. انسان بر مرکب رشد
خواهد نشست و عروج را زمزمه خواهد کرد.

در جلد ۱۳ کتاب بحار الانوار از پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله اینگونه نقل گردیده است:

سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزیده، مردم از نور رهبری او در دوران غیبتش بهره می گیرند. همانگونه که از خورشید به هنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره مند

می شوند.

آثار غیبت:

اشعه نامرئی وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه به هنگامی که در پشت ابرهای غیبت نهان است، دارای آثار گوناگون و متعددی است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- امید بخشیدن به جامعه

در میدانهای نبرد تمام کوشش گروهی از رزمندگان فداکار این است که پرچم حق را به اهتزاز درآورند چرا که برقرار بودن پرچم حق، موجب دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمر آنان است. وجود فرمانده لشکر در مقر فرماندهی حتی اگر ساکت و خاموش باشد خون گرم و پرحرارتی را در عروق رزمندگان به حرکت درمی آورد.

شیعه نیز طبق عقیده‌ای که به وجود امام زنده دارد هر چند او را در میان خود نمی‌بیند، ولی خود را تنها نمی‌داند.

او همواره انتظار بازگشت آن یار سفر کرده را می‌کشد. انتظاری سازنده و اثربخش و حرکت آفرین. اثرات روانی این طرز تفکر در زنده نگهداشتن امید در جامعه و وادار ساختن افراد به خود سازی کاملاً مشهود است.

۲- پاسداری از دین خدا و آئین حق

همیشه باید در میان جمع مسلمانان کسی باشد که مفاهیم فنا ناپذیر تعالیم اسلام را در شکل اصلی‌اش حفظ و برای آیندگان نگهداری کند. حفظ این آیین اصیل به وسیله یک پیشوای معصوم در سطح جهانی امکان پذیر است، خواه آشکار باشد یا پنهان. سینه امام و روح بلندش مخزن آسیب ناپذیر حفظ اسناد آیین الهی است که اصالت‌های نخستین و ویژگی‌های آسمانی این تعلیمات را در خود نگهداری می‌کند تا دلایل الهی و نشانه‌های روشن پروردگار باطل نگردد و به خاموشی نگراید.

۳- تربیت گروه شایستگان

معنی غیبت امام این نیست که او به شکل یک روح نامریی و یا اشعه‌ای ناپیدا درمی‌آید، بلکه او از یک زندگی طبیعی برخوردار است و بطور ناشناخته در میان همین انسانها رفت و آمد دارد و دل‌های بسیار آماده را برمی‌انگیزد و در اختیار می‌گیرد و بیش از پیش آماده می‌کند و می‌سازد. افراد مستعد به تفاوت میزان

استعداد و شایستگی خود توفیق درک و سعادت رؤیت آن حضرت را پیدا می کنند که از جمله آنان می توان بزرگانی چون محقق اردبیلی و سید بحر العلوم را نام برد.

۴- نفوذ گسترده معنوی

وجود امام علیه السلام، در پشت ابرهای غیبت نیز این اثر را دارد که از طریق اشعه نیرومند و پر دامنه شخصیت خود، دل‌های آماده را در نزدیک و دور تحت تاثیر جذبه مخصوص قرار داده و به تربیت و تکامل آنها می پردازد و از آنها انسانهایی کاملتر می سازد. ما قطبهای مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی بینیم ولی اثر آنها روی عقربه‌های قطب نما در دریاها راهنمای کشتیهاست. وجود امام علیه السلام، نیز در زمان غیبت با امواج جاذبه معنوی خود افکار و جانهای زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند هدایت می کند و از سرگردانی رهایی می بخشد.

۵- ترسیم اهداف آفرینش

این جهان و تمام مواهب آن از دیدگاه یک فرد خدا پرست که با مفاهیمی چون علم و حکمت خداوند آشناست، برای صالحان و پاکان آفریده شده است. باغبان آفرینش جهان پهناور هستی به خاطر همین گروه که در راس آن وجود مقدس امام علیه السلام، است فیض و مواهب خود را همچنان ادامه می دهد. در حدیثی آمده است:

از برکت وجود حجت و نماینده الهی، مردم روزی می‌برند و به خاطر هستی او آسمان و زمین برپاست.

۶- نظارت بر اعمال شیعیان

طبق اعتقاد عمومی شیعه که در روایات بسیار زیادی در منابع مذهبی آمده است؛ امام به طور مداوم در دوران غیبت مراقب حال پیروان خویش است و طبق یک الهام الهی از وضع اعمال آنها آگاه می‌گردد و به تعبیر روایات همه هفته برنامه اعمال آنها به نظر ایشان می‌رسد و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آنها آگاه می‌گردد. قرآن کریم در آیاتی چند که به چگونگی انقلاب آخرالزمان پرداخته است معیارها و محورهایی را تبیین نموده که بسیار با اهمیت و درخور تامل است: یکی از این محورها حاکمیت طبقه فرودست و مستضعف است. در طول تاریخ انسان همواره و همیشه (به جز دوران کوتاهی، آن هم در جوامعی خاص و نه فراگیر و جهانی) مراکز قدرت مالی، سیاسی و نظامی در دست طبقات مستکبر و برتری طلب و سلطه طلبان اجتماعی بوده است که با دست یازی به منابع ثروت و کالاها و مواد، سلطه خود را بر خلق خدا استوار می‌ساختند و انسان‌ها را به دلخواه خود به کار می‌کشیدند و برده خویش می‌ساختند. بر اساس وعده‌های قرآنی این جریان ناهنجار به طور اصولی و واقعی و نه شعاری و ادعایی، در انقلاب نهایی تاریخ، ره نیستی می‌پوید و طبقه قدرتمند از اریکه قدرت به زیر افکنده می‌شوند و فرودستان و ضعیف‌نگه داشته

شدگان مراکز قدرت را در دست می گیرند و به راستی محرومان حاکم می گردند و آرزوی دیرینه همه مصلحان و انسان دوستان و پیامبران، تحقق راستین می یابد. این انقلاب که به سود طبقه مستضعف صورت می پذیرد، چون انقلاب و رستاخیز قیامت است. چنانکه در قیامت به راستی نیکان و انسان های واقعی به منزلت و جایگاه شایسته خویش دست می یابند و ناانسان های انسان نما سقوط می کنند و به کیفر می رسند چنانکه قرآن این ویژگی قیامت را نیک تبیین کرده است «خافضة رافعة». (واقعه ۳/)

انقلاب قیامت، گروهی را بالا می برد و فراتر از گروه ها و طبقات قرار می دهد و گروهی را از اریکه قدرت به پایین می کشد و زیر دست می سازد؛ انقلاب جهانی و نهایی موعود آخرالزمان نیز چنین است و بدون هیچ کم و کاستی و یا سهل انگاری و چشم پوشی، سلطه طلبان قدرتمند را به زیر می افکند و فرودستان محروم را بر مراکز قدرت حاکم می سازد.

در انقلاب نهایی انقلابیون به خاطر معیارهای دقیق الهی که بر جان و روان آنها حاکم است و دین باوری راستینی که در ژرفای روحشان نفوذ کرده است، هیچ گاه از راه اصلی و الهی خویش غافل نمی مانند و جهت حرکت خود را تغییر نمی دهند. بنابراین مشکل اصلی انقلاب های تاریخ که پس از رسیدن به قدرت، گذشته خویش

را پس پشت می افکنند و به همه معیارها و اصول انقلاب خود پشت می کنند، پیش نمی آید و طبقه فرودست انقلابی همواره انقلابی می ماند. این انقلاب که در انتظار بشریت است و بشریت نیز در انتظار آن است در این آیه از قرآن مطرح گردیده است:

« و نريد ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثین.» (قصص / ۵) ؛ ما می خواهیم تا به مستضعفان زمین نیکی کنیم یعنی آنان را پیشوایان سازیم و وارث برای زمین.

چرا برای فرج و ظهور امام زمان علیه السلام باید زیاد دعا کنیم؟؟؟
سه دلیل از قرآن کریم خداوند ما را امر به دعا کرده است:
۱. ادعونی استجب لکم:

بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم. (سوره مومن آیه ۶۰)

۲. اذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیومنوا بی لعلمهم یرشدون.

و چون بندگان من از تو سراغ مرا می گیرند، بدانند که من نزدیکم و دعای دعاکنندگان را اجابت می کنم البته در صورتیکه مرا بخوانند. پس باید که آنان نیز دعوت مرا اجابت نموده و باید به من ایمان آورند تا شاید هدایت شوند. (سوره بقره آیه ۱۸۶)

۳. قل ما یعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم.

اگر دعای شما نباشد خدا هیچ اعتنایی به شما نمی کند. (سوره فرقان آیه ۷۷)

سه دلیل از احادیث:

نیازمند بوجود امام باید ابراز نیاز کند

۱. شخصی از حضرت زهرا سلام الله علیها سوال کرد: سرورم، چرا حضرت علی علیه

السلام حق خود را نگرفتند؟

حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مثل

امام، مثل کعبه است که باید مردم به سراغ او بروند، نه آنکه امام به سراغ مردم برود.

(بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵)

با دعا نکردن برای فرج، خود را به هلاکت انداخته ایم.

۲. امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم (امام زمان علیه السلام) غیبتی طولانی خواهد داشت و از هلاکت نجات

نمی یابد مگر کسی که خدا او را در اعتقاد به امامت او ثابت بدارد و به او توفیق دعا

برای ظهور و فرج آن حضرت را بدهد. (کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴)

با دعا نکردن برای فرج، از برکات وجود امام محروم می شویم.

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر شما همه با هم به درگاه الهی ناله کرده و فرج ما را می خواستید، خداوند هم فرج ما را نزدیک می کرد، اما اگر چنین نکنید (سختی غیبت و محرومیت از حضور امام) تا نهایت خود به طول خواهد کشید. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱)

ما هم به گفته ی معصومین مان که جز سعادت ما را نمی خواهند گوش می دهیم، بیاید با هم فردا جزء هفتم از قرآن کریم را برای عرض تسلیت به پیشگاه مقدس امام زمان علیه السلام و حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام بخوانیم و از خدا بخواهیم به حق باب الحوائج امام موسی کاظم علیه السلام خداوند بقیه زمان غیبتش را بر ما ببخشد. امام زمان علیه السلام فرمودند: برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید زیرا که گشایش کار شماست. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله):

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً» تردیدی نیست که تمامی مفاهیم و اعتقادات اصیل دینی در اسلام ریشه در قرآن دارد و هیچ باطلی، در این کتاب آسمانی وجود ندارد که حق تعالی جل جلاله فرموده: «ما قرآن را نازل کردیم و آن را محافظت می نمائیم.» و در آن همه چیز بیان گردیده و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در قرآن آمده باشد. از بیان هیچ نکته ای در آن کوتاهی نشده و تمامی وقایع و اتفاقات را تا زمان قیامت کبری و نفع صور در بر دارد. قرآنی که آخرین کتاب آسمانی و معجزه جاوید پیامبر اسلام است و بیانگر تمامی مسائل و

مباحث و موضوعات مورد نیاز زندگی بشر است مسلماً در باره موضوع مهم انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تحول بزرگی که در دنیا به وسیله امام زمان و حکومت عدل و داد آن حضرت به وجود خواهد آورد، آیات و بیانات متعددی دارد ولی شناختن معارف این کتاب آسمانی و بهره گرفتن از سرچشمه های زلال و شیرین آن راهی جز این ندارد که از مترجمان راستین و بازگوکنندگان وحی و خاندان عصمت (علیهم السلام) بیاموزیم که «لا یمسّه الا المطهرون؛ به قرآن جز پاکیزگان (ائمه معصومین علیهم السلام) کسی دست نمی یابد» و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: «به خدا سوگند من کتاب خدا را از اول تا به آخر می دانم چنانکه گویی در کف دست من است، در قرآن خبر آسمان و زمین، گذشته و آینده موجود است که خدای عزوجل فرموده «وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبِیَّانًا لِّكُلِّ شَیْءٍ؛ ما قرآن را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان و توضیح همه چیز در آن است.»

و نیز امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هیچ کس جز اوصیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی تواند ادعا کند که (علم) تمامی قرآن نزد اوست. با این بیان درمی یابیم که قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) هیچ گاه از هم جدا نمی شوند زیرا که قرآن بازگوکننده حقانیت و عظمت این خاندان است و مردم را به سوی این حاملان علوم الهی هدایت می کند و فقط این چهارده نور پاکند که حقایق و بطون این معجزه

جاوید و این کتاب عظیم آسمانی را می دانند اما سنگین ترین ضربه ای که پس از رحلت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بر پیکر بشریت وارد آمد این بود که خلافت و جانشینی پیامبر از حاملان وحی و اوصیای واقعی حضرتش غصب گردید و منصب خلافت به دست ناهلان و جاهلان افتاد.

زمانیکه غاصبان بر کرسی جانشینی پیامبر تکیه زدند و امیرالمؤمنین را از حق مسلمش محروم کردند دریافتند که باید مردم را از دست یابی به سند نورانی حقانیت حضرت امیر و فرزندانش محروم نمایند تا مبدا همه مردم از معارف نورانی قرآن که همان شناخت معصومین و گنجینه داران علوم الهی است بهره مند گردند و به عدم حقانیت این ظالمان پی ببرند، لذا قرآنی را که امیرالمؤمنین (علیه السلام) گردآوری کرده بود و ویژگی های زیادی را چون شأن نزول، تأویلات و تطبیقات دربرداشت نپذیرفتند. و بدین ترتیب مردم را از راه یافتن به چشمه های زلال وحی بازداشتند و در عوض ظواهری از دین را به قصد فریب خلق الله رواج دادند از سوی دیگر پول های گزافی می دادند تا عالم نمایانی از خدا بی خبر و مزدور، دروغ هایی را به عنوان حدیث در زمینه های مختلف از جمله تفسیر و تأویل قرآن جعل می کنند و اذهان مردم را از رسیدن به حقایق دور سازند.

در طول تاریخ پیوسته دشمنان حق از انتشار معارف قرآن و آشکار شدن حقایق و اسرار این کتاب آسمانی به روش های مختلف جلوگیری کرد تا آنجا که عده زیادی از

اصحاب و شاگردان مکتب اهل بیت که مفسر و مبین حقایق قرآن بوده‌اند را به شهادت رساندند و یاران و اصحاب پیامبر را از بازگو کردن حقایق قرآن و احادیثی که خود مستقیماً از آن حضرت شنیده بودند ممنوع کردند. از این رو شیعیان با وجود آن همه مشکلات و موانع علی‌رغم سخت‌گیری‌های زیاد مخالفان در جهت فراگیری علوم و معارف از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) سخت تلاش کرده‌اند و به روایت و تدوین و نشر احادیث مربوط به آن اهتمام ورزیده‌اند که خوشبختانه مجموعه‌های ارزنده‌ای در این زمینه امروز در دسترس ما قرار دارد که هر کدام از آن‌ها برای رهیابی به معارف ناب قرآن از اهمیت والایی برخوردار است. با بررسی و تحقیق این مجموعه‌های روایی و احادیث موجود به نکته شگفت‌انگیزی پی می‌بریم و آن اینکه مسئله مهدویت و حکومت جهانی آن حضرت از چنان اهمیت والایی برخوردار است که خداوند از تمامی پیامبرانش درباره او و پدران بزرگوارش پیمان گرفت. آنان که در این عهد و پیمان استوار بودند در زمره پیامبران اولوالعزم قرار گرفتند و آنان که در این پیمان اراده نداشتند از بهشت رانده شدند و خداوند توبه ایشان را به وسیله تمسک به همین ذوات مقدسه قبول فرمودند و مقام قرب را به ایشان بازگرداند. بنابراین موضوع مهدویت از ابتدای هبوط حضرت آدم تا پایان نبوت حضرت خاتم (صلی الله علیه و آله) در لسان تمامی پیامبران الهی و در تمام کتب آسمانی به چشم می‌خورد و بشارت دادن به حکومت جهانی آن حضرت و استیلای

صالحان بر زمین و پادشاهی عدل و داد جزء اصلی متن کتاب‌های آسمانی و برنامه‌های پیامبران بوده و کتب آسمانی همچون قرآن، تورات، انجیل، زبور و ... آکنده از این بشارات است که انبیاء الهی به امت‌هایشان بیان فرموده‌اند. البته در تعیین مصداق آن مصلح، عبارت‌ها مختلف و الفاظ متفاوت است ولی اصل ظهور یک مصلح واقعی و تشکیل حکومتی واحد که از مرز عدالت بیرون نرود، مورد قبول تمام ملل و ادیان آسمانی و غیر آسمانی عالم است همچنین قرآن کریم نیز در بیش از یکصد و سی آیه به این معنا اشاره فرموده و اعلام داشته که اراده و خواست خداوند متعال بر این است که دوران حکومت‌های ظالم و ستمگر به پایان رسد و بساط پیروان آن‌ها را برچیده شود و حتماً بندگان صالح خویش را در سراسر دنیا حکومت دهد. تا قوانین اسلام را به طور کامل و همه جانبه در این کره خاکی اجرا سازند و سعادت بشر را تضمین و تأمین نمایند.

ما در این مجموعه تلاش کرده‌ایم آیات قرآنی را که در رابطه با غیبت، ظهور و تشکیل حکومت جهانی آن حضرت تأویل و تفسیر شده، به صورت موضوعی دسته بندی کنیم تا استفاده و بهره‌مندی این آیات برای خوانندگان و محققان محترم آسان گردد.

به امید روزی که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از زندان غیبت به در آید و عالم به نورش روشن شود.

انتظار فرج

یکی از شرایط حضور در حکومت بقیه الله و توفیق دیدار با آن حضرت انتظار فرج است؛ یعنی آمادگی کامل برای پذیرش حکومت حق و آراستن به آنچه که مهدی علیه السلام می گوید و می خواهد. انتظار فرج یعنی نفی هر گونه سلطه از بیگانگان و مبارزه با افکار انحرافی و فساد اخلاق و در یک کلام، انتظار فرج یعنی بیزاری از دشمنان خدا و پیامبر و معصومین قدس سرهما.

بی سبب نیست که انتظار از بهترین اعمال شمرده شده است، بلکه فرد منتظر دولت مهدی همانند کسی است که در پیش روی رسول خدا شهید گشته و در خون خود غلتیده است و اگر بر همان حالت انتظار از دنیا برود بسان کسی باشد که در خیمه مهدی فاطمه علیه السلام می باشد.

ابو بصیر از امام صادق روایت کرده که آن حضرت روزی فرمود: آیا شما را خبر ندهم به چیزی که خداوند عملی را بدون آن از بندگانش قبول نمی کند؟ گفتیم: آری. فرمود: شهادت بر وحدانیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و اقرار به آنچه که خداوند فرموده، از دوستی ما و بیزاری از دشمنان و اطاعت و پیروی از ما. نیز داشتن ورع و پرهیزکاری و انتظار کشیدن برای قائم علیه السلام. آنگاه فرمود: به درستی که برای ما دولتی است، خداوند آن را هر زمانی که اراده کند برقرار می سازد. سپس افزود: هر کس که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام ما باشد باید در انتظار

به سر برد و خود را به ورع و محاسن اخلاق بیاراید، و اگر در همان حال بمیرد برای او اجری همانند کسی است که آن حضرت را درک کرده باشد.

« امام مهدی (عج) در روایات »

مؤلف کتاب گران سنگ انیس الاعلام مرحوم جدید الاسلام که یکی از کشیشان مسیحی بوده و از اطلاعات گسترده ای برخوردار بوده است و پس از تحقیقات بسیار حقیقت ناب و هدایت راستین را در مکتب تشیع یافته و بدان می گردد؛ می نویسد: در میان تمام اقوام و ملل یکتاپرست جهان دو موضوع مورد اتفاق و تایید همگان است و هیچ کس در آنها خدشه نکرده است: نخست مسئله توحید و وحدانیت پروردگار هستی و دیگر موعود نجات بخش.

در پی این گفتار برآن شدیم تا برخی از احادیث شعیه و سنی پیرامون مهدی آل محمد علیهم السلام را که در آنها به نام مبارک آن حضرت تصریح شده است، حکایت کنیم تا جلابخش جان افسردگان گردد و کافر پیشه گان را حجت و برهان.

مهدی در روایات شعیه

در منابع و مصادر روایی و حدیثی شعیه همچون کتاب ارزشمند کافی، کتاب الغیبه طوسی و نعمانی و ... روایات بسیاری وجود دارد که امامان معصوم - علیهم السلام - در موقعیتهای مناسبتهای گوناگونی در مورد حضرت مهدی - علیه السلام -

سخنانی بیان فرموده اند و این نشانگر اهمیت و حساسیت این مطلب از دیدگاه آنان است.

و اگر در برخی روایات به طور سربسته این مطلب بیان شده است این بخاطر شرایط و محدودیت های آن زمان می باشد بگونه ای که به عده ای از آن بزرگواران اجازه نمی دادند تا این اصل عقیدتی، اجتماعی و دینی را بصورت روشن تری بیان کنند. در این باره به شاخه گلی از بوستان گفتار رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و دیگر معصومان - علیهم السلام - اشاره می کنیم:

پیامبر - صلی الله علیه و آله

۱- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: المهدی - علیه السلام - من ولدی اسمہ

اسمی و کنیتہ کنیتی أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً تكون له غیبه و حیره تضل فيه الأمم ثم يقبل كالشهاب الثاقب فيملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً.

رسول خدا فرمودند: مهدی - علیه السلام - از فرزندان من است اسمش اسم من است و کنیه اش کنیه من، از نظر اخلاق و خلقت از همه مردم به من شبیه تر است. برای او غیبت و حیرتی است که امت‌هایی در آن دوران گمراه می شوند سپس ظاهر می شود همچون شهابی که روشنایی می دهد و بسرعت حرکت می کند و زمین را از عدل و قسط پر می کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد.

۲- و عن أبی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طوبى لمن أدرك قائم أهل بيتى وهو مقتد به قبل قيامه يأتهم به وبأئمة الهدى من قبله ويبرئ الى الله من عدوهم أولئك رفقاىي وأكرم أمتى علىّ.

پیغمبر اکرم - صلى الله عليه وآله - فرمود: خوشا بحال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و به او اقتدا کند قبل از قیامش، پیرو او و تابع ائمه ی هدایت قبل از او باشد و از دشمنان ایشان به سوى خدا پناه آورد ایشان رفیقان من هستند و گرامیترین افراد امت، نزد من می باشند.

حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

حضرت مولی الموحدين علی بن ابی طالب (علیه الصلاة والسلام) ضمن خطبه ای در ستایش پیامبر - صلى الله عليه وآله - فرمودند:

۱- فنحن أنوار السموات والأرض وسفن النجاء وفينا مكنون العلم وإلينا مصير الأمور وبمهدينا تقطع الحجج فهو خاتم الأئمة ومنقذ الأمة ومنتهى النور وغامض السرّ، فليهنأ من استمسك بعروتنا وحشر على محبتنا.

ما نورهای آسمان و زمین و کشتیهای نجات هستیم. دانش، در ما نهان است و ما گنجینه ی آنیم و سرانجام کارها بسوی ماست و مهدی ما، آخرین حجّت است. او آخرین امام معصوم، نجات بخش امتها، آخرین نور رسالت و امامت و معمای پیچیده

ی آفرینش است. گوارا باد آنان را که به رشته محبت و ولایت ما چنگ زده و با محبت ما محشورند.

نیز حضرت جواد - علیه السلام - از پدران گرامیشان آورده است که امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمود:

۲- «للقائم منا غيبة أمدها طويل كأنى بالشيعة يجولون جولان النعم في غيبته. يطلبون المرعى فلا يجدونه ألا فمن ثبت منهم على دينه ولم يقس قلبه لطول آمد إمامه فهو معى فى درجتى يوم القيامة».

برای قائم ما غیبتی بسیار طولانی است و من شیعیان را می نگرم که در غیبت او بسان گله بدون شبان سرگردان دنبال چراگاهند و نمی یابند. آگاه باشید که هر کس از اینان بر دین خویش استوار باشد و بخاطر غیبت طولانی آن حضرت قلبش سخت نگردد چنین کسی با من است و در قیامت در درجه ی من.

حضرت فاطمه سلام الله علیها

عن جابر بن عبدالله الانصاری قال دخلت على فاطمة - عليها السلام - وبين يديها لوح فيه أسماء الأوصياء من ولدها فعددت اثني عشر آخرهم القائم - عليه السلام - ثلاثة منهم محمد وثلاثة منهم عليّ.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: خدمت حضرت فاطمه - علیها السلام - رسیدم، در دستان آن حضرت لوحی را دیدم که نام تنی چند از فرزندان را که از جانشینان

پیامبر - صلی الله علیه و آله - بودند در آن دیدم، شمردم دوازده نفر بودند و آخرین آنها قائم - علیه السلام - بود، سه نفر از آنها محمد و سه نفر علی در آنها دیده می شد.

امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی - علیه السلام - فرمودند: «... أما علمتم انه ما منّا أحد الا ويقع فی عنقه بیعۀ لطاغیة زمانه إلا القائم الذی یصلی روح اللّٰه عیسی بن مریم خلفه، فإنّ اللّٰه عزّ وجلّ یخفی ولادته ویغیب شخصه لئلاّ یكون لأحد فی عنقه بیعۀ إذا خرج ذاک التاسع من ولد أخی الحسین ابن سیّدۀ الاماء یطیل اللّٰه عمره فی غیبتہ، ثمّ یظهره بقدرته فی صورۀ شابّ ابن دون أربعین سنۀ، ذلک لیعلم انّ اللّٰه علی کل شیء قدير».

مردم! آیا نمی دانستید که هر کدام از ما خاندان وحی و رسالت مجبور به بیعت با حکمران طغیانگر زمان خود می شویم مگر قائم - ارواحنا فداه - که حضرت عیسی بن مریم روح الله به او اقتدا می کند و نماز می خواند چرا که خداوند ولادت او را مخفی و شخص او را نهان می دارد تا هنگامی که به دستور او ظهور کند بیعت قدرتمداری را به گردن نداشته باشد او نهمین امام معصوم از نسل برادرم حسین - علیه السلام - است و فرزند بهترین کنیزان. خداوند در غیبت او عمر او را طولانی

می کند و سپس به قدرت خویش او را در چهره ی جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می سازد تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری تواناست.

امام حسین علیه السلام

حضرت سیدالشهداء - علیه السلام - فرمود:

۱- لو لم یبق من الدنیا إلاّ یوم واحد لطوّل اللّٰه عزّ وجلّ ذلک الیوم حتّٰی ینخرج رجلاً من ولدی یملاها عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً، کذلک سمعت رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه وآله یقول.

اگر از عمر این جهان تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را طولانی می سازد تا مردی از فرزندان من ظهور کند و جهان را همانگونه که از ظلم و جور لبریز گشته است از عدالت پر سازد. این واقعیت را همین گونه پیامبر خدا - صلی اللّٰه علیه وآله - فرمود.

و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمودند:

۲- لو قام المهدی لأنکره الناس، لأنّنه یرجع إلیهم شابّاً وهم یحسبونه شیخاً کبیراً. اگر مهدی - علیه السلام - قیام کند مردم او را انکار می کنند و نمی شناسند زیرا آن حضرت در اوج جوانی ظهور می کند و حال آنکه آنها می پندارند که او پیر و کهنسال است.

حضرت سجّاد علیه السلام

بعد از شهادت سیدالشهداء - علیه السلام - در شام حضرت سجّاد - علیه السلام - در روز جمعه ای که یکی از سردمداران یزید خطبه ی شوم خود را می خواند، امام سجّاد

- علیه السلام - در آنجا بپا خواست و او را با تندی خطاب کرد و بعد مطالبی ایراد

نمود؛ از آن جمله فرمود:

۱- «أَيُّهَا النَّاسُ! أَعْطِينَا سِتًّا وَفَضَّلْنَا بِسَبْعٍ، أَعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالسَّمَاحَةَ وَالْفَصَاحَةَ وَالشَّجَاعَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَضَّلْنَا بِأَنَّ مَنَّا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ وَمَنَّا الصِّدِّيقَ وَمَنَّا الطَّيَّارَ وَمَنَّا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ وَمَنَّا سَبَطِي هَذِهِ الْأُمَّةِ وَمَنَّا مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ .. هان ای مردم! خدا به ما شش ویژگی عطا فرموده و با شش امتیاز ما را بر همگان فضیلت و برتری بخشیده است خدا به ما نعمت گران بهای دانش، بردباری، سخاوت، فصاحت و شجاعت عنایت فرمود؛ و بذر مهر و محبت ما را بر دلها و قلبهای بالیمان افشانده است. و نیز ما را به هفت ویژگی برتری و فضیلت بخشیده است پیامبر برگزیده ی خدا از ماست و صدیق امت امیر مؤمنان و جعفر طیار و حمزه شیر خدا و پیامبر و دو نواده ی گرانمایه ی پیامبر حسن و حسین - علیهما السلام - و مهدی این امت از ماست.

و نیز آن حضرت فرمودند:

۲- القائم منّا تخفی ولادته علی الناس حتی یقولوا: لم یولد بعد، لیخرج حین یخرج
ولیس لأحد فی عنقه بیعة.

قائم که از ماست ولادت او بر مردم مخفی می ماند به گونه ای که مردم می گویند:

او هنوز بدنیا نیامده است تا بدینگونه ظهور کند و به هنگامه ی ظهور، بیعت هیچ

کس را بر عهده نداشته باشد.

امام محمد باقر علیه السلام

ابو جارود از امام باقر - علیه السلام - آورده است که روزی به من فرمود:

۱- «یا ابا جارود! إذا دار الفلک وقال الناس: مات القائم أو هلك، بأی واد سلک وقال

الطالب: انّی یکون ذلک وقد بلیت عظامه فعند ذلک فأرجوه، فإذا سمعتم به فأتوه ولو

حبواً علی الثلج».

یعنی ای ابا جارود اگر روزگار به گونه ای بود که مردم گفتند: «قائم آل محمد -

علیهم السلام - از دنیا رفته یا به شهادت رسیده و یا سرنوشت او روشن نیست و

دیگری گفت که از کجا چنین خبری خواهد بود... در همان اوج حیرت و ناامیدی و

تردید مردم، تو به ظهور او امیدوار باش و هنگامی که خبر ظهور او را شنیدی به هر

صورت ممکن، حتی خزیدن بر روی برف بسوی او بشتاب».

و همچنین بانوی دانش پژوهی به نام «امّ هانی» می گوید: بامدادی بر حضرت باقر

- علیه السلام - وارد شدم و گفتم:

۲- «یا سیدی! آیه فی کتاب الله عزّ وجلّ عرضت بقلبی فاقلقتنی واسهرتنی قال:
فاسألی یا أمّ هانی قالت: قلت قول الله عزّ وجلّ: (فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس)
قال: نعمّ المسأله سألتینی یا أمّ هانی! هذا مولود فی آخر الزمان، هو المهدی من هذه
العترة تكون له حیره وغیبه یضلّ فیها أقوام ویهتدی فیها أقوام، فیاطوبی لک ان
أدرکتیه ویاطوبی لمن أدركه».

سرورم! آیه ای از قرآن شریف ذهن و فکرم را بخود مشغول داشته و خوابم را ربوده
است فرمود: کدام آیه ام هانی، بپرس! گفتم: این آیه ی شریفه (فلا أقسم بالخنس
الجوار الكنس) فرمود: خوب مسأله ای پرسیدی ای ام هانی این مولودی است در آخر
الزمان او مهدی عترت پیغمبر است برای او غیبت و حیرتی است که گروهی در آن
گمراه می گردند و گروههایی راه حق و هدایت را می یابند. خوشا بحالت اگر او و
زمان او را درک کنی... و خوشا بحال آنانکه او را درک کنند.

امام جعفر صادق علیه السلام

از امام صادق - علیه السلام - روایت شده که فرمودند:

من أقرّ بجميع الأئمّة - علیهم السلام - ووجد المهدی کان کمن أقرّ بجميع الأنبياء
ووجد محمّداً - صلی الله علیه وآله - نبوته. فقیل له: یا بن رسول الله فمن المهدی
من ولدک؟ قال - علیه السلام - : الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه ولا
یحلّ لکم تسميته».

هر کس به همه ی امامان اهل بیت - علیهم السلام - ایمان آورد و مهدی آنان را نپذیرد بسان کسی است که به همه ی پیامبران خدا ایمان آورد اما رسالت آخرین آنان محمد - صلی الله علیه وآله - را انکار کرده باشد. از آن حضرت سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! مهدی - علیه السلام - کیست آیا از فرزندان شماست. فرمودند: پنجمین امام از نسل پسر «موسی» است او از نظرها غایب می گردد و آوردن صریح نام مقدسش برای شما روا نیست.

امام موسی کاظم علیه السلام

یونس بن عبدالرحمن آورده است که بر امام هفتم علیه السلام وارد شدم و گفتم: یا بن رسول الله! أنت القائم بالحق؟ فقال - علیه السلام - «أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله ويملاها عدلاً كما ملئت جوراً هو الخامس من ولدي، له غيبة يطل أمدها خوفاً على نفسه، يرتد فيها أقوام ويثبت فيها آخرون .. . طوبى لشيعةنا المتمسكين بحبلنا - وفي نسخة: بحبنا - في غيبة قائمنا، الثابتين على موالاتنا والبراءة من أعدائنا أولئك منا ونحن منهم، قد رضوا بنا أئمة ورضينا بهم شيعة وطوبى لهم هم - والله - معنا في درجتنا يوم القيامة.

سرورم آیا شما قائم به حق هستید فرمود: آری من قائم به حق هستم اما آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می سازد و آن را همانگونه که هنگامه ی ظهورش از ستم و بیداد لبریز است از عدل و داد سرشار و مالمال می سازد، او پنجمین امام از

نسل من است. او به فرمان خدا و برای حفظ جان خویش، غیبتی طولانی خواهد داشت به گونه ای که گروههایی راه ارتداد در پیش می گیرند و گروهی در دین خدا و اعتقاد به امامت ثابت قدم می مانند. آنگاه فرمود: خوشا به حال شیعیان ما آنانکه در عصر غیبت قائم ما به ریسمان ولایت و محبت اهل بیت چنگ زده و بر دوستی ما پایدار بوده و به بیزاری از دشمنان ما استوارند؛ آنان از ما هستند و ما از آنان، آنان به امامت ما خشنودند و ما به پیروی آنان از اهل بیت پیامبر خویش. راستی که خوشا به حال آنان! بخدای سوگند که آنان در روز رستاخیز با ما و در درجه ی ما خواهند بود.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

هنگامی که دعبل خزاعی آن شاعر اندیشمند اهل بیت - علیهم السلام - بر حضرت رضا - علیه السلام - وارد شد و قصیده ی معروف خویش را خواند تا به این شعر رسید که:

خروج امام لا محاله خارج یقوم علی اسم الله والبرکات

یمیز فینا کل حق وباطل ویجزی علی النعماء والنقمت

قیام شکوهمند امام راستین از خاندان رسالت که بی تردید ظهور خواهد نمود در پرتو نام بلند خدا و برکات او در بین ما حق و باطل را از هم جدا می کند و بر نعمت ها و کردارهای شایسته و نیز بیدادها و ناهنجاریها کیفر در خور خود را خواهد داد.

امام رضا - علیه السلام - به شدت گریست و فرمود:

«یا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین... فهل تدری من هذا الامام؟ ومتی یقوم؟ فقال: لا یا مولای!... إلا أنى سمعتُ بخروج امام منکم یطهر الأرض من الفساد ویملأها عدلاً كما ملئت جوراً.» فقال الامام - علیه السلام - : یا دعبل الامام بعدی: محمد ابنی وبعد محمد ابنه علی وبعد علی ابنه الحسن وبعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی غیبه المطاع فی ظهوره، لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی ینخرج فیملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً.»

ای دعبل خزاعی! روح القدس بر زبان تو این دو بیت را گذارد. آیا می دانی این امام کیست و کی قیام می کند؟ پس عرض کرد نه مولای من! مگر اینکه من شنیده ام امامی از شما خروج می کند که زمین را از فساد پاک می کند و آنرا پر از عدل می سازد همچنانکه از جور پر شده باشد. پس امام - علیه السلام - فرمود: ای دعبل! امام بعد از من محمد پسر من و بعد از محمد، علی پسرش و بعد از علی پسرش حسن و بعد از حسن پسرش حجت قائم است که در غیبت انتظار او کشیده می شود و زمان ظهور او از او اطاعت می شود اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا او خروج کند و زمین را پر از عدل کند چنانکه از جور پر شده است. بعد در ادامه ی فرمایشاتشان فرمودند که کسی از وقت ظهور او خبر ندارد و ناگهان به شما ظاهر خواهد شد.

امام جواد علیه السلام

حضرت عبدالعظیم حسنی نقل می کند به محضر امام جواد - علیه السلام - شرفیاب شدم و تصمیم گرفتم که از او بپرسم آیا او قائم آل محمد - صلی الله علیه وآله - است یا دیگری؛ اما پیش از آنکه سخن آغاز کنم فرمود:

یا أبا القاسم! انَّ القائمَ منّا هو المهدی! الذی یجب أن یُنْتَظَرَ فی غیبتِهِ ویطاع فی ظَهْرِهِ وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِی. وَالذی بَعَثَ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِالنَّبُوَّةِ وَخَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ أَنَّهُ لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا یَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذَکَ الْیَوْمَ حَتَّى یُخْرِجَ فِيهِ فِيمَا لَأَرْضٍ قَسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى یُصَلِّحُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ. كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى - عَلَيْهِ السَّلَامُ - إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَهُوَ رَسُولٌ نَبِيٌّ.

ای ابا القاسم! همانا قائم از ما، مهدی - علیه السلام - می باشد آن کسی که واجب است در زمان غیبتش، انتظارش را برند و پس از ظهورش فرمانش را اطاعت کنند و او سومین فرزند از نسل من است. قسم به خدایی که محمد را به نبوت مبعوث نمود و ما را به امامت برگزید اگر از عمر این جهان تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را طولانی خواهد ساخت تا او ظهور نموده، جهان را پر از عدل و داد سازد، همانگونه که به هنگامه ی ظهورش از ستم و بیداد لبریز است. خداوند کار قیام او را در یک شب اصلاح می کند همانگونه که کار رسالت و نبوت کلیم خود، موسی بن

عمران را به هنگامی که بسوی آتش رفت تا برای خانواده ی خود از آن برگیرد،

اصلاح فرمود و او در حالی بازگشت که به رسالت برانگیخته شده بود.

امام هادی علیه السلام

مرحوم صدوق از ابی دلف آورده است که گفت: خود از حضرت هادی - علیه السلام

- شنیدم که فرمود:

انّ الامام بعدی الحسن ابنی وبعد الحسن ابنه القائم، الذی یملاً الأرض قسطاً وعدلاً

کما ملئت جوراً وظلماً.

امام پس از من فرزندم حسن است و پس از او پسرش «قائم» می باشد، همو که

زمین را از عدل و داد پر می کند همانگونه که از ستم و بیداد لبریز شده باشد.

امام عسکری علیه السلام

احمد بن اسحاق که از اصحاب امام عسکری - علیه السلام - است می گوید: خود از

امام عسکری - علیه السلام - شنیدم که می فرمود: الحمد لله الذی لم یُخرجنی من

الدنیا حتّی اُرانی الخلف من بعدی، أشبه الناس برسول الله صلّی الله علیه وآله خلقاً

وخلقاً، یحفظه الله تبارک وتعالی فی غیبتّه، ثمّ یُظهره فیملأ الأرض عدلاً وقسطاً

کما ملئت جوراً وظلماً.

خدای را سپاس که مرا از این جهان بیرون نبرد تا جانشین و امام پس از مرا به من

نشان داد. پسر من در چهره، خلق و خوی، شبیه ترین مردم به پیامبر خداست. خداوند

او را در دوران غیبتش حفظ خواهد کرد و آنگاه او را فرمان ظهور خواهد داد و آن حضرت، زمین را از عدل و داد لبریز خواهد ساخت همانگونه که از ستم و بیداد پر شده باشد.

مهدی - ارواحنا فداه - در آینه ی فرق اسلامی و متصوفه
آنچه که از نظر به عقائد فرق مختلف اسلامی اعم از سنی و شیعه بدست می آید این است که همه ی فرق اسلامی در مسأله ی اعتقاد به حضرت قائم - ارواحنا فداه - که زمین را از عدل و داد پر می کند، متحد هستند؛ اگر چه برخی دارای عقائد ناصواب و متشکک در مود شخص آن حضرت اند و خود نشان دهنده ی کثرت اهتمام دین اسلام به مسأله ی مهدویت می باشد به تعبیر دیگر آن قدر رسول خدا - صلی الله علیه وآله - و ائمه معصومین - علیهم السلام - به قضیه قیام حضرت مهدی -

ارواحنا فداه - و برپا سازی حکومت عدل در سراسر جهان بدست مبارک آن حضرت تأکید فرموده اند که جای هیچگونه انکاری برای مسلمانان نگذاشته و فرق مختلف اگر چه باطل بوده و رؤسای آنها واقف به بطلان مذهب خود می باشند ولیکن این مسأله را نتوانسته اند انکار کنند و همگی بدان اقرار نموده اند. حکمت غیبت

باید بدانیم غیبت حضرت ولی عصر (عج) طبق تقدیری است که از جانب خدای سبحان مقدر شده و حکمت هایی دارد، شاید یکی از علتها مساعد نبودن موقعیت زمانی باشد، همان طور که پیامبران برای ارشاد امت خود قیام کرده ولی به علت

جهالت آنان با خطرهای جدی مواجه شدند و بالاجبار از امت خویش دوری گزیدند؛ مانند حضرت رسول اکرم(ص) که از ترس جان خود، مدتی را در شعب ابوطالب عمومی بزرگوارشان گذراندند.

حضرت ادريس(ع) نیز مدت بیست سال از ترس امت گمراه خود که دعوت او را رد کرده بودند غیبت کردند. حضرت موسی(ع) هم مدتی را دور از امت خویش سپری کردند به امید آن که فرصتی پیش آید تا ایشان بتوانند حق را احقاق کرده و باطل را ریشه کن نمایند.

اصولا انبیا و اولیا هدفشان به اجرا گذاشتن قانون الهی بوده است، به همین دلیل برای حفظ جان خود سعی می کردند تا در زمان مناسب به اهداف خود دست پیدا کرده و سپس تسلیم سرنوشت شوند.

خداوند متعال نیز حضرت مهدی(عج) را برای ریشه کردن هر نوع ظلم و ستم حاکم ذخیره کرده و آن حضرت را تا فرا رسیدن اجل حتمی از بلا محفوظ خواهند داشت و بر خلاف گذشته، ستمگران کوچک و بزرگ فرصتی نخواهند یافت تا خدشه ای به وجود نازنین آن یگانه حجت عالم وارد سازند.

دلیل دیگری که می توان برای غیبت ایشان قایل شد، کثرت گناه و عدم اتحاد و انسجام در میان مسلمانان جهان است، و دیگر، عدم شناخت و نداشتن اطلاعات لازم در مورد آن سرور که سبب تاخیر در ظهور می شود، و علت دیگری که می توان

در مورد غیبت در نظر گرفت، عدم شایستگی و توبه عده ای از افراد و طلب نکردن آن حضرت از جانب خدای منان است، در واقع هر حرکت سوپی، سبب تاخیر در ظهور می شود و هر چه غیبت به تاخیر افتد مصیبت و گرفتاریهای مردم جهان هم بیشتر خواهد شد.

علت دیگری برای غیبت حضرت مهدی(عج) آزمایش همگان است که خداوند برای دوست و دشمن قرار داده است و بدون شک غیبت آن حضرت تا پایان آزمایشات الهی و احقاق نتیجه باقی خواهد ماند.

در غیبت، نعمانی از محمد بن خالد روایت می کند که گفت: از حضرت موسی کاظم(ع) شنیدم که فرمود:

« احسب الناس ان یترکوا ان یقولو وهم لا یفتنون »

« آیا مردم گمان کردند که (خداوند) آنان را به حال خود می گذارد که بگویند ایمان آوردیم و امتحانی هم ندهند؟

سپس (حضرت از من در مورد این آیه شریفه پرسید) مقصود چه امتحانی است؟

عرض کردم: قربانت گردم به نظر ما مقصود آزمایش در امر دین است. حضرت

فرمود: « مانند طلا امتحان می شوند؛ همچون طلا خالص می گردند. »

روایت است: خداوند مرگ و حیات را قرار داده تا مردم را امتحان کند و معلوم شود کدام یک از بندگان از حیث عمل بهتر هستند. باید توجه کرد که بر سر دوراهی ها و تردیدها، آن که مخالف هوای نفس و نزدیک به رضای الهی است انتخاب شود؛ زیرا امتحان سنت الهی است و همه در دنیا امتحان می شوند حتی بندگان خوب خدا.

حضرت امیرالمومنین علی(ع) در این باره می فرمایند:

« و حتی لا یبقی منکم الا کالکحل فی العین! هیهات، هیهات، لا یكون فرجنا

حتى یذهب الکدر و یبقی الصفو.»

« تا از شما باقی نباشد جز به مقدار سرمه در چشم! هیهات، هیهات که فرج ما واقع

نمی شود مگر بعد از آن که تیره ها از بین بروند و فقط صاف ها بمانند.»

امام جواد(ع) می فرمایند: « امام بعد از من، پسر من (امام هادی) است که امر او، امر

من و گفته او، گفته من و اطاعت او، اطاعت من است و امام بعد از او پسرش

حسن(امام حسن عسگری) است که امر او، امر پدرش، گفته او، گفته پدرش و

اطاعت او، اطاعت پدرش می باشد (آنگاه امام جواد سکوت کردند) عرضه شد: ای

فرزند رسول خدا! امام بعد از حسن کیست؟ (امام جواد) به شدت گریست و فرمود:

بعد از حسن، پسر او قائم و منتظر است.

گفته شد: چرا به او «قائم» گفته می شود؟ فرمود: زیرا او بعد از آنکه یادش از بین می رود، قیام می کند و پس از آن که بیشتر قایلان به امامتش از اعتقاد خود بازگردند او ظهور می کند.

گفته شد: چرا به او «منتظر» می گویند؟ فرمود: زیرا برای او غیبتی طولانی هست که مومنان مخلص، ظهور او را انتظار می کشند و صاحبان شک او را انکار می کنند و منکران نام و یاد او را مسخره می نمایند، (بدانید) هر کس وقت تعیین کند دروغ می گوید، هر کس شتاب کند هلاک می شود، هر کس تسلیم اراده خدا شود نجات می یابد.»

در حدیث دیگر نقل شده است: «در قائم ما شش نشانه از شش پیامبر است: نشانه ای از حضرت نوح، نشانه ای از حضرت ابراهیم، نشانه ای از حضرت موسی، نشانه ای از حضرت عیسی، نشانه ای از حضرت ایوب و نشانه ای از حضرت محمد(ص). نشانه اش از حضرت نوح، طول عمر اوست.

نشانه اش از حضرت ابراهیم، تولد پنهان و گوشه گیری او از مردمان است.

نشانه اش از حضرت موسی، مخفی بودن ولادت و غیبت اوست.

نشانه اش از حضرت عیسی، اختلاف مردم در حق اوست.

نشانه اش از حضرت ایوب، فرج بعد از شدت و گشایش بعد از گرفتاری است.

نشانه اش از حضرت محمد(ص)، خروج او با شمشیر است.»

حضرت قائم(عج) در نامه ای به سفیرش محمد بن عثمان این چنین می نویسد:
« اما در مورد علت غیبت، خدای تبارک و تعالی می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگز نپرسید از مسایلی که اگر فاش شود شما را اندوهگین سازد ... هر یک از پدران من، بیعتی از طاغوت های زمان به گردن داشتند ولی به هنگامی ظهور خواهیم نمود که بیعت احدی از طاغوت ها به گردنم نباشد.

اما کیفیت انتفاع مردم از وجود من در زمان غیبت همانند انتفاع آنان از خورشید است هنگامی که ابرهای تیره آن را بپوشاند، من امان برای اهل زمین هستم، همان طور که ستارگان امان برای اهل آسمان است،

در مورد مسائلی که به شما سودی نخواهد داشت پرسش نکنید و در مورد آنچه برای شما بیان شده، خود را به زحمت نیندازید و در رابطه با تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما نیز به آن بسته است و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند.

سیمای حضرت مهدی(ع) در کلام نبوی

علم توأم با اخلاق، حکومت همراه با حکمت، عبادت همراه با خدمت به خلق، جهاد توأم با رحمت، عزت همراه با فروتنی، روزآمدی توأم با دوراندیشی و صداقت با مردم در عین پیچیدگی های سیاسی از ویژگی های بارز پیامبر

اکرم(ص) است.۱

جلوه آشکار و مظهر اسمای خداوندی، نمونه انسان کامل و سرآمد تمام پیامبران و

ختم رسل است. احادیث بسیاری از چنین شخصیتی وجود دارد که به بیان اسامی و ویژگی‌های اهل بیت گرامی‌اش می‌پردازد. هنگامی که می‌خواهد از کسی صحبت کند که او را هم‌نام خود معرفی می‌کند ۲ می‌فرماید: آگاه باشید که هر کس (از پیامبران و امامان) پیش از او، نوید آمدنش را داده‌اند، آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب‌شده خداوند است، آگاه باشید که او آنچه بگوید از پروردگارش می‌گوید و هشداردهنده به امر ایمان است. ۳ و مردم را به یاری، اطاعت و پیروی از او فرا می‌خواند. همانی که خداوند متعال تمام معجزات انبیاء و اوصیاء (ع) را به دست مبارکش جاری می‌سازد. ۴ پیامبر رحمت و رأفت بیاناتی درباره شأن، مقام و منزلت حضرت مهدی (ع) در پیشگاه خداوندگار بزرگ دارند که به اجمال به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم: حضرت مهدی (ع) یکی از هفت آقای اهل بهشت پیامبر اکرم (ص) شأن و منزلت فرزندش مهدی (ع) را در بهشت این گونه می‌داند:

ما، سروران اهل بهشت از فرزندان عبدالمطلب هستیم، من، حمزه (ع)، علی (ع)، جعفر (ع)، حسن و حسین (ع) و مهدی (ع). ۵ ابن ابی‌الحدید طی حدیث مرسلی آنها را سروران روز قیامت و آقایان اهل دنیا می‌داند. بهشت مشتاق حضرت مهدی (ع) (بهایی انسان‌ها چیزی جز بهشت نیست، به فرموده حضرت امیرالمؤمنین (ع) نباید خود را به چیزی کمتر از بهشت فروخت، ۷ حال با این همه اگر بهشت مشتاق کسی باشد چگونه است؟ حضرت رسول اکرم (ص) بهشت را مشتاق درک وجود حضرت

مهدی(ع) می داند :

بهشت مشتاق چهار نفر از اهل بیت من است، خداوند آنها را دوست می دارد و مرا امر کرده است تا آنها را دوست بدارم، علی بن ابیطالب(ع)، حسن و حسین(ع) و مهدی(ع) که عیسی بن مریم(ع) پشت سر او نماز می خواند.۸ حضرت مهدی(ع)

طاووس بهشتیان

از آنجا که طاووس زیباترین مخلوقات است، هر آنچه را می خواهند به زیبایی و جمال متصف کنند از آن با طاووس نام می برند، بهشتیان زیبارویانند و برترین آنها از نظر جمال حضرت مهدی(ع) است. چرا که پیامبر فرمودند: مهدی(ع) طاووس اهل بهشت است.

جزای پیروی و نافرمانی از آن حضرت پیروی از حضرت مهدی(ع) (سبب نجات و نافرمانی از امر آن حضرت سبب هلاکت، اطاعت وی اطاعت خداوند و نافرمانی وی نافرمانی خداوند است. در زیارت آل یاسین آمده است: ای مولای من (اقرار می کنم) کسی که با تو مخالفت کند، شقی و بدبخت است و خوشبخت و سعادت مند کسی

است که از تو فرمان ببرد و مطیع تو باشد. این گونه است که اطاعت از امام

مهدی(ع) مایه نجات و سرباز زنی از فرامین او مایه هلاکت است. در این باره پیامبر اکرم(ص) (می فرمایند: قائم(ع) از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه او کنیه من است، شکل او شکل من و سنت او سنت من است، مردم را بر دین و آئین من به پا

می‌دارد و آنها را به سوی کتاب پروردگارم فرا می‌خواند. کسی که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است و کسی که او را نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است. کسی که در دوران غیبت منکر او باشد مرا انکار کرده است و کسی که او را تکذیب کند مرا تکذیب کرده است و همچنین کسی که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است. من از تکذیب‌کنندگانم درباره‌ی امر او و انکارکنندگانم درباره‌ی او و گمراهان امتم از راه او، به خدا شکایت می‌کنم، آنهایی که ظلم کرده‌اند به زودی خواهند دانست که به چه کیفرگاه و محل انتقامی باز خواهند گشت. خضوع و تواضع حضرت در برابر خداوند پیامبر اکرم (ص) (فروتنی و خشوع حضرت مهدی (ع)) را در برابر پیشگاه ربوبی خداوند این گونه مثال می‌زنند: حضرت مهدی (ع) نسبت به خداوند خاشع و خاضع است، مانند خشوع و خضوع باز شکاری که هنگام پرواز، بال‌های خود را فرو می‌خواباند.

حضرت مهدی (ع) جانشین خداوند رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: حضرت مهدی ظهور می‌کند در حالی که در بالای سر او ابری است که ملکی بر آن سوار است و فریاد می‌زند که: این مهدی (ع) (جانشین خداوند است از او پیروی کنید. حضرت مهدی عبد صادقی که به سبب او خداوند، بندگانش را می‌بخشد رسول اکرم (ص) فرمودند: آن هنگام که به آسمان هفتم عروج کردم و از آنجا به

سدره المنتهی و سپس به حجاب های نورانی رسیدم، پروردگارم - جل جلاله - ندایم کرد که: ای محمد! تو بنده من و من پروردگار تو هستم. همانا تو را بنده، حبیب، رسول و پیامبر قرار دادم و برادرت علی(ع) را جانشین تو، همانا علی(ع) حجت بر بندگان من است و امام و رهبری برای مخلوقاتم. به واسطه او دوستدارانم از دشمنانم باز شناخته می شوند و به وسیله اوست که حزب من از حزب شیطان شناخته می شود. به خاطر اوست که دینم برپا شده است و حدود و احکام دینم حفظ و اجرا می شود. به خاطر او و تو و فرزندان توست که بندگانم را می بخشم و به واسطه قائم(ع) (فرزندان توست که با تسبیح، تهلیل، تقدیس و تکبیر و تمجیدم زمین را می سازم و آباد می کنم، به واسطه اوست که زمین را از دشمنانم پاک کرده و دوست دارانم را وارث زمین می گردانم. به خاطر اوست که کلمه کسانی که کفر ورزیدند را پست قرار داده و کلمه خود را برترین می سازم. با علم و احاطه خود، به خاطر او و به واسطه اوست که بندگانم را زنده می سازم و شهرهایم را احیا می کنم. به سبب اوست که به تدبیر و مشیت من گنج ها و ذخایر آشکار می سازم و فقط به خاطر اوست که به اراده ام اسرار و پنهانی ها را آشکار می سازم و آن را به ملائکه می سپارم تا تأیید کننده اجرای فرمان هایم و اعلان دینم باشد. او (مهدی(ع)) به حقیقت ولیّ (آیین) من است و مهدی(ع) صدیق ترین بندگانم است. به حقیقت منزلت و مقامی بس عظیم در پیشگاه مقام ربوبی خداوندگار دارد که خداوند به

واسطه او و پدران گرامی اش باران را بر بندگانش فرو می فرستد و به واسطه وجود آنان است که آسمان نگاه داشته شده است و بر زمین نمی افتد. برای ظهورش دعا کنیم و مشتاقانه منتظرش باشیم که حضرت امیرالمؤمنین (ع) نیز پس از توصیف کمالات حضرتش آهی کشیدند و با دست، اشاره به سینه خود کرده و فرمودند: «چقدر مشتاق دیدار اویم».

زمینه سازان ظهور

انقلاب حضرت مهدی (ع) هم چون دیگر انقلاب ها، بدون مقدمه و زمینه سازی به وجود نمی آید، بلکه در آستانه ظهور، حرکت هایی پا می گیرد و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می آورد. بخش عمده ای از روایاتی که درباره رویدادهای پیش از ظهور و یاران حضرت مهدی (ع) آمده است، درباره ایران و ایرانیان است که با تعبیرات گوناگونی مانند: اهل فارس، عجم، اهل خراسان، اهل قم، اهل طالقان، اهل ری و... بیان شده است. با بررسی مجموع این روایات به این نتیجه می رسیم که در کشور ایران، پیش از ظهور، نظامی الهی و مدافع ائمه معصومین (ع) و برپا می گردد که مورد نظر امام زمان (ع) است و نیز مردم ایران، نقش عمده ای در قیام آن حضرت دارند رسول خدا (ص) می فرماید: مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی (ع) فراهم می سازند. نیز می فرماید: پرچم های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمد که دل های آنان همانند پاره های آهن است پس

هر کس از حرکت آنان آگاهی یافت، به سوی آنان برود و با آنان بیعت کند هر چند لازم باشد که بر روی یخ حرکت کند امام باقر(ع) می فرماید: گویا قومی را می بینم که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند، ولی حق را به آنان نمی دهند. بار دیگر طلب می کنند ولی باز به آنان واگذار نمی کنند. در این حالت، شمشیرها را از نیام کشیده، بر شانه می گذارند که در این هنگام، دشمن خواسته آنان را می پذیرد، ولی آنان نمی پذیرند و قیام می کنند و حق را واگذار نمی کنند، مگر به صاحب امر. کشتگان آنان شهیدند و اگر من آنان را درک می کردم، خودم را برای صاحب این امر آماده می کردم.

در این روایات، به روشنی از برپایی قیام ها و انقلاب هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) خبر داده شده است. همه روایات بر این نکته اتفاق دارند که پیش از ظهور مهدی (ع) حکومتی به رهبری یکی از صالحان، که گمان می رود از فرزندان پیامبر(ص) هم باشد، در ناحیه مشرق تشکیل می گردد و زمینه ظهور را مهیا می سازد و این حکومت، تا ظاهر شدن حضرت مهدی (ع) و تسلیم آن به حضرت ایشان ادامه می یابد. بر همین اساس، برخی تشکیل دولت شیعی مذهب صفویه را که پس از قرن ها استیلای حاکمان مستبد و متعصب عامی مذهب، روی کار آمد، همان دولتی دانسته اند که در روایات، از جمله زمینه سازان حکومت مهدی (ع) به شمار آمده است

در زمان ما نیز، برخی با استناد به ویژگی هایی که در روایات آمده، انقلاب اسلامی ایران را که در سال ۱۳۵۷ هـ ش به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید، همان دولتی دانسته اند که زمینه را برای ظهور و قیام مهدی (ع) آماده می کند. در هر صورت، گر چه قرائن فراوانی این احتمال را قوت می بخشد، ولی دلیل قطعی که ثابت کند منظور از حکومت زمینه ساز، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) است، در دست نیست.

درباره تعداد یاران حضرت مهدی (ع) توضیح دهید؟
آیا تعداد ۳۱۳ نفر از یاران امام زمان از زمان غیبت صغری تا زمان ظهور منتظر است یا فقط ۳۱۳ نفر در عصر ظهور را شامل می شود؟ جواب : ابتدا باید دانست ۳۱۳ نفر اولین افرادی اند که در آغاز و طلوع ظهور به حضرت مهدی (عج) می پیوندند. از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که یاران مهدی در آخرالزمان ۳۱۳ مرد هستند به تعداد یاران بدر، در ساعت واحدی گرد می آیند و به یاری امام مهدی (عج) می پردازند. در روایاتی نحوه گرد آمدن آنان بیان شده که برخی از آنان شبانه از خوابگاه خود مفقود و بامدادان در مکه حاضر می شوند و برخی از آنان روزانه بر ابرها حرکت می کنند و ...

به مکه می آیند. پس معلوم می شود عده ای از آنان از افرادی اند که در همان دوران ظهور خواهند زیست. ولی از سیاق برخی احادیث استفاده می شود برخی از مردگان

(مانند برخی یاران پیامبر و امیرمؤمنان) رجعت می کنند و از ۳۱۳ نفر هستند. مانند: سلمان فارسی، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری و ... البته درباره اصحاب کهف تصریح شده که آنان از ۳۱۳ نفر یاران ویژه امام مهدی (عج) می باشند. پس چنین نیست که یاران امام عصر افرادی می باشند که از جهت زمانی، حداکثر از زمان غیبت صغری تا زمان ظهور به دنیا آمده باشند، بلکه پیش از آن نیز از کسانی که در عصر پیامبر اکرم (ص) می زیسته اند و حتی برخی از پیامبران مانند حضرت مسیح علیه السلام به تصریح روایات از یاران امام مهدی (عج) خواهند بود.

امام مهدی از سخن معصومین (ع):

امام مهدی (عج) در سخن پیامبر (ص)

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: ... خداوند از فرزندان حسین امامانی قرار داده است که راه و روش و آیین مرا برپا می دارند. نهمین آنان قائم خاندان من «مهدی» امتم می باشد. او شبیه ترین مردمان به من است در سیما و گفتار و کردار. پس از غیبتی طولانی و سرگردانی و سردرگمی مردم، ظاهر می شود، آنگاه آیین خدا را آشکار می سازد... پس زمین را از عدل و داد پر می کند پس از آن که از ستم و بیداد لبریز شده باشد.

امام مهدی (عج) در سخن حضرت فاطمه (س)
جابر می گوید: خدمت حضرت فاطمه رفتم، لوحی نزد آن بانو نهاده بود که در آن
نامهای امامان نوشته شده بود. (از آن جمله درباره ی دوازدهمین امام چنین آمده
بود) پس از امام یازدهم (امام حسن عسگری (ع)) راه امامت را کامل می کنم با
فرزندش که رحمت برای همه ی جهانیان است. او (امام دوازدهم) دارای کمال موسی
و شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است... در زمان غیبت این امام، دوستان من (دینداران
راستین) به مشکلات گرفتار شوند... آنان بحق دوستان منند (چون در دینداری پایداری
می کنند). درود و رحمت خداوند بر آنان باد. آنان (مردمان در دوران غیبت) بیگمان
هدایت شدگان و راه یافتگانند.

امام مهدی (عج) در سخن امام علی (ع)

اصبغ نباته که از شاگردان و یاران آن حضرت است می گوید: روزی نزد امیر
مومنان (ع) رفتم، دیدم در فکر فرو رفته است و با انگشت بر زمین خط می
کشد. گفتم: ای امیر مومنان! چه شده است که در فکر فرو رفتید؟... امام فرمود: در
مولودی می اندیشم که از نسا من است و او «مهدی» است که زمین را از عدل و داد
پر می کند پس از آن که از ستم و بیداد پر و لبریز شده باشد...!

امام مهدی (عج) در سخن امام حسن (ع)

... (امام) قائم که (هنگام ظهورش)، حضرت عیسی از آسمان فرود می آید و پشت سر او نماز می گذارد... تولدش از مردمان پنهان است و از چشمها غایب می شود... او نهمین فرزند برادرم حسین است و فرزند بهترین زنان. عمری طولانی دارد و خداوند او را (در زمین) آشکار می سازد در سیمای انسانی چهل ساله، تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری قادر است.

* امام مهدی (عج) در سخن امام حسین (ع) *

اگر از دنیا یک روز (بیش) باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را دراز گرداند، تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد لبریز کند، پس از آنکه از ستم و ظلم پر شده باشد. این چنین از پیامبر شنیدم.

* امام مهدی (عج) در سخن امام سجاد (ع) *

... بی تردید، مردم زمان غیبت مهدی، که امامت او را باور دارند و منتظر ظهور اویند، از مردمان دیگر زمانها برترند، چون خدای بزرگ، به آنان عقل و درک و فهمی داده است که غیبت برایشان چون ظهور است. خداوند آنان را، در آن زمان، همپایه ی مجاهدان شمشیر زن زمان پیامبر (ص) قرار داده است و اینانند اخلاص گزاران واقعی و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان مردم به خدا (و به دین خدا)، آشکار و پنهان.

* امام مهدی (عج) در سخن امام باقر (ع) *

محمد بن مسلم (که از شاگردان امام باقر و امام صادق (ع) است) می گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم درباره ی قائم که هر گاه قیام کند چه روشی در پیش می گیرد؟ امام فرمود: روش پیامبر را تا اسلام را حاکم سازد. گفتم: روش پیامبر چه بود؟ امام فرمود: آنچه در (نظامها و آیین) جاهلیت بود باطل کرد و عدالت میان مردمان حاکم ساخت و چنین است (امام) قائم (ع) آنگاه که قیام کند آنچه را (از راه و روشها میان مردم) در زمان پیش از ظهور رایج بوده است، زیر پا می نهد و آیین دادگری را بر پا می سازد.

امام مهدی (عج) در سخن امام صادق (ع)

کسانی که در حالت انتظار دولت قائم، از جهان در گذرند، مانند کسانی که در خدمت (امام) قائم باشند. امام، پس از این سخن مکتی کرد، سپس گفت: بلکه مانند کسانی که در رکاب (امام) مهدی شمشیر زده باشند. سپس گفت: نه به خدا سوگند، اینان مانند کسانی که در خدمت پیامبر به شهادت رسیده باشند. چشم به راه امر (قیام و انقلاب) امام خود باش، در هر شب و هر روز، زیرا که خدا در هر روز کاری کند و کاری، او را از کاری دیگر باز ندارد...

امام مهدی (عج) در سخن امام کاظم (ع)

...خداوند برای دوازدهمین (امام) از خاندان ما هر دشواری را آسان می گرداند و به دست او هر جبار و زورگوی سرسختی نابود می شود و هر شیطان سرکشی نابود می گردد.

*امام مهدی (عج) در سخن امام رضا(ع) *

دعبل خزاعی (شاعر نامدار شیعی) می گوید: قصیده ی خود را در حضور امام رضا(ع) خواندم، چون به این شعرها رسیدم: امامی از آل محمد (ص)، به یقین، خروج خواهد کرد، او به تایید اسم اعظم الهی و برکت نصر آسمانی به پا می خیزد و حق و باطل را از هم جدا می کند و همه را بر شادخواریها و کین توزیها، کیفر می دهد. (در این هنگام) امام رضا(ع) به شدت گریست، آنگاه فرمود: «ای دعبل! روح القدس به زبان تو سخن گفته است. آیا می دانی این امام چه کسی خواهد بود؟» گفتم: نه (شخص او را نمی شناسم)، لیکن شنیده ام که امامی از شما خاندان پیامبر خروج می کند و زمین را از عدل و داد لبریز می سازد. امام رضا(ع) فرمود: «پس از من فرزندم محمد «جواد» امام است. پس از محمد فرزندش علی، امام است. پس از علی (هادی) فرزندش حسن، امام است و پس از حسن (عسگری)، فرزندش، حجت قائم خواهد بود. اوست که در زمان غیبت (مردمان) چشم به راه اویند و در زمان ظهور همه مطیع او گردند. او زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد...»

*امام مهدی (عج) در سخن امام جواد(ع) *

عبدالعظیم حسنی (که از یاران آن امام است) می گوید: به امام جواد(ع) گفتم: امیدوارم که شما قائم خاندان پیامبر باشی که زمین را از عدل داد آکنده می کند... امام فرمود: همه ی ما قائم به امر خدای بزرگیم... لیکن آن قائمی که خداوند، به دست او زمین را از کافران و منکران پاک می گرداند و سراسر گیتی را از عدالت سرشار می سازد او کسی است که تولدش از مردم پنهان خواهد بود و خود او از چشم ها غایب می شود...

امام مهدی(عج) در سخن امام هادی(ع)

امام پس از من، فرزندم حسن است و پس از حسن فرزندش (امام) قائم است که زمین را از عدل و داد پر می کند، پس از آن که از ظلم و بیداد لبریز شده باشد.

امام مهدی(عج) در سخن امام حسن عسگری(ع)

سپاس خدایی را که پیش از مرگم جانشینم را به من نمایاند. جانشینی که شبیه ترین انسانها به پیامبر است در خلقت و اخلاق. خداوند او را در دوران غیبت (از بلاها) حفظ می کند، سپس او را آشکار می سازد. او سراسر زمسن را از عدالت پر می کند، پس از این که از ظلم و ستم لبریز شده باشد.

میلاد موعود...

نیمه شعبان، روز میلاد امام زمان است. ماه شعبان هشتمین ماه از سال هجری قمری است. سال هجری، تاریخی است که مبدا آن هجرت پیامبر اکرم(ص) است از مکه به

مدینه. سال هجری، دو گونه است: سال هجری شمسی (خورشیدی) و سال هجری قمری. سال هجری قمری را «هلالی» نیز می گویند، زیرا که هر ماه آن با دیدن هلال آغاز می شود. سال قمری ۱۲ ماه دارد و از ماه محرم آغاز می گردد. در روز پنجشنبه، پانزدهم ماه شعبان، در سال ۲۵۶ هجری قمری، حضرت حجت بن الحسن امام زمان (عج) تولد یافت. حضرت حجت، امام دوازدهم است و فرزند امام یازدهم حضرت امام حسن عسکری (ع) است و با سه واسطه فرزند امام رضا (ع) و با پنج واسطه فرزند امام جعفر صادق (ع) و با هشت واسطه فرزند امام حسین (ع) و با نه واسطه فرزند حضرت علی (ع) و فاطمه (سلام الله) _ دختر پیامبر اکرم و مادر امامان _ می باشد. امام دوازدهم، حضرت حجت (ع) به این نامها نیز خوانده می شود: مهدی _ مهدی موعود _ قائم موعود _ منتقم _ امام منتظر _ امام غایب _ صاحب الامر _ صاحب الزمان _ ولی عصر چون او و ظهور او وعده داده شده است و خدا و پیامبران و اولیاء و همچنین پیامبر اکرم وعده داده اند که او می آید و جهان را پر از عدل و داد می کند «موعود» نامیده شده است.

چون برای نشر دین حق و برپا داشتن عدالت قیام می کند و به پا می خیزد «قائم» نامیده شده است. چون انتقام انبیا و مردان خدا را از جباران می گیرد و هم انتقام بشریت را و انتقام خونهای پاک مردان حق و انسانهای بزرگ و شهدای راه حق و عدالت را «منتقم» نامیده شده است. چون مسلمانان در انتظار اویند، بلکه بشریت _

در شعور معقول و وجدان اجتماعی خویش _ چنان معلم و نجات دهنده ای را می طلبد و انتظار می کشد « منتظر » نامیده شده است. و چون از دیدگاه عموم پنهان است « امام غائب » و چون او صاحب امر خداست « صاحب الامر » و چون صاحب زمان است به ولایت خدایی « صاحب الزمان » و چون ولی خدا در این عصرها و روزگاران اوست « ولی عصر » نامیده شده است.

چنان که گفتیم یکی از نامهای امام زمان « موعود » است. باید دانست که موعود در ادیان آسمانی دیگر نیز وجود داشته است. بدین معنی که برخی از پیامبران، پیامبر و معلم و مصلحی را که از آن پس می آمده است معرفی می کرده و ذهن جامعه را برای پذیرش پیامبر و مصلح بعدی آماده می ساخته اند. موعود موسی (یعنی کسی که حضرت موسی (ع) آمدن او را خبر داده بوده است). حضرت عیسی است. موعود حضرت عیسی (ع)، حضرت احمد (احمد، فارقلیط) است. چنان که در قرآن مجید تصریح شده است. نیز اتفاق می افتاده است که پیامبران گذشته، به آمدن موعود آخر الزمان _

یعنی مهدی موعود _ اشاره می کرده اند. این گونه بوده است تا به هنگام ظهور دین اسلام، در دین اسلام « موعود » به طور دقیق، معین و معرفی گشت، یعنی مهدی آخر الزمان. در اینجا باید در نظر داشته باشیم که مساله مهدی و ظهور و قیام او، موضوعی نیست که فقط به کسانی که دارای مذهب تشیعند مربوط باشد، بلکه این موضوع یک مساله اسلامی است. خود پیامبر اکرم (ص) بارها آمدن مهدی را در

آخرالزمان و اینکه مهدی از اولاد علی و فاطمه است، فرزند بی واسطه ی امام حسن عسکری است و قیام نهایی دین و توحید به دست او است، مژده داده و گوشزد کرده است. در قرآن کریم نیز آیات چندی است که حتی مفسران اهل سنت، آن آیات را مربوط به ظهور مهدی دانسته اند. و به همین مناسبت که در احادیث و گفته های پیامبر اکرم سخن از مهدی بسیار آمده است، علمای اهل سنت در بیشتر از ۲۰۰ کتاب از کتابهای معتبر خویش، مناقب مهدی و مسائل مربوط به مهدی و چگونگی ظهور او و شرایط نزدیک یا مقارن زمان ظهور او را ذکر کرده اند و بیش از ۳۰ کتاب ویژه «مهدی» تألیف کرده اند.

نیز به همین دلیل است که در تاریخ می نگریم که از حدود ۱۵۰ سال پیش از ولادت مهدی (عج) (مثلا از سال ۱۳۲ هجری، آغاز خلافت عباسی به بعد)، کسانی ادعا می کرده اند که همان مهدی که پیامبر گفته است ایشانند. و این به علت شیوع مساله مهدی بود، از زمان خود پیامبر و از زبان او. پس اصل مساله مهدی و خروج او در آخرالزمان (برای اصلاح جهان و خوار ساختن جباران و انتقام گرفتن از ستمگران و عزت بخشیدن به محرومان و زبردستان و اجرا کردن کلیه احکام قرآن) جزو تعالیم اسلام است و مژده ی این خروج را خود پیامبر اکرم (ص) داده است و از این جهت همه فرقه های مسلمان به اصل مساله «مهدی» معتقدند. چنان که گفتیم بر مبنای بشارات کتابهای پیشینیان و روایات اسلامی، اشتهار یافته بود که از امام حسن

عسکری فرزندی بوجود می آید که برهم زنده ی اساس حکومتها و واژگون کننده تاج و تختها و دولتهاست. از این رو، زندگانی حضرت امام حسن عسکری از مدتها قبل مورد مراقبت کامل بود و از طرف دربار عباسی سعی می شد تا از تولد این کودک آگاه شوند و از زنده ماندن او جلوگیری کنند. از طرف خود امام حسن و خاندانش نیز کوشش می شد تا ولادت مهدی (عج) همچنان پوشیده بماند. لیکن به هنگام رحلت امام یازدهم، اخبار داخله ی آن امام _ از جمله وجود این فرزند _ به دربار عباسی رسید. از این رو، بی درنگ، از سوی خلیفه ی عباسی آن روز، المعتمد، دستور هجوم به خانه امام حسن عسکری و تفتیش آن و جلب و احیانا قتل فرزند او مهدی (عج) صادر شد و ماموران به خانه امام ریختند... اینجا بود که ضمن مقارناتی، علل ناپیدی امام فراهم آمد و دوازدهمین پیشوای شیعه به فرمان الهی از نظرها پنهان گشت... دانشمندان مسلمان، راجع به حضرت مهدی (عج) و مساله طول عمر او و فواید وجودی او در حال غیبت و مسائل مربوط به خروج او، سخنان بسیار گفته اند، همین گونه عرفا و فلاسفه به تصریح و اشاره بدین مساله توجه داده اند، مانند محیی الدین ابن عربی، در کتاب «فتوحات مکیه». و ابن سینا در کتاب عظیم خود «شفا». یکی از دانشمندان و ریاضیدانان و متفکران بزرگ، خواجه نصیرالدین طوسی نیز درباره «مهدی» چنین می گوید: حرمان خلق از امام و علت غیبت او چون معلوم است که از جهت خدای _ سبحانه _ نباشد و از جهت امام نبود پس لابد از جهت رعیت بود و

تا آن علت زایل نشود، ظاهر نگردد و استبعاد از درازی عمر حضرت مهدی (عج) نمودن، چون امکانش معلوم است و از غیر متفق، جهل محض بود.

باید بدانیم که در زمان غیبت حضرت حجت مسلمان نباید در انجام دادن تکالیف خود کوتاهی کند. همه دستورات دین در این زمان نیز به حال خود باقی است، واجب، واجب است و حرام، حرام بویژه تکالیف و وظیفه های اجتماعی. مثلاً اگر در جامعه ای فساد رایج شد و ظلم پا گرفت مسلمان نمی تواند بگوید بگذار باشد، امام زمان می آید و درست می کند و اصلاح می فرماید. آنچه امام زمان (عج) درست می کند و اصلاح می فرماید، تکلیف دینی خود آن امام است که از لحظه و روز ظهور او شروع می شود. تا پیش از آن لحظه و آن روز، هر مسلمانی به همه تکالیف خود مکلف است، همین طور که باید نماز بخواند و روزه بگیرد باید امر به معروف و نهی از منکر کند، با ظلم بستیزد، به داد مظلوم برسد، برای از بین بردن ستم و برپا داشتن عدل و داد بکوشد و..... در پایان این گفتار یکی از مشهورترین سخنان پیامبر را که درباره مهدی (عج) فرموده است و علمای مذاهب اسلامی نقل کرده اند نقل می کنیم، سخنی که از نظر دینی و اعلام نمودن شخص پیامبر (ص)، قطعیت مساله را می رساند. اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خدا همان یک روز را آن قدر طولانی و دراز کند تا مهدی _ فرزند من _ ظاهر شود و جهان را در حالی که از ستم پر شده باشد از عدالت و دادگری پر کند. و چنان که می نگریم مسیر کلی بشر، از نظر فقدان

عنصر معنوی در حرکتها و زندگیها، رو به حالتی است که در نهایت _ چنان که پیامبر گفته است _ نیاز به کسی که بتواند اصلاحی همه جایی و همگانی پدید آورد و این همه ستمها و اختلافها را برطرف سازد و معنویت را به زندگی بشر بازگرداند، محسوس است.

انتظار

تاریخ نشان میدهد که انتظار قیام حضرت مهدی (عج) بس حماسه ساز و شکوهمند و انسان ساز بوده است مسلمانی که انتظار عدل جهانی حکومت حضرت مهدی (عج) و از بین رفتن ظلم را می کشد که در آن شرک و نفاق از بین رفته تقوی جایگزین گردیده باشد. نمی تواند شرک و نفاق از بین رفته تقوی جایگزین گردیده باشد نمی تواند شرک و نفاق را پیشه خود سازد. مسلمانی که طعم بزرگواری و جوانمردی خاندان عصمت و حضرت مهدی (عج) را چشیده باشد و منتظر حکومت آن بزرگوار باشد نمی تواند با اعمال زشت خود آن بزرگوار را از خود دلگیر نماید و به خاطر همین خصوصیات است که منتظر در روایات ما از مقامی بس والا و ارزشمند برخوردار است .

امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

افضل اعمال امتی انتظار الفرج

بالاترین اعمال امت من انتظار فرج است .

و مقام منتظران را در سطح مقام شهیدانی ذکر کرده اند که در راه خدا بر خون خود غلتیده اند .

امام صادق (ع) می فرمایند :

المنتظر لامرنا كالمتحشط بدمه فی سبیل الله

هر آن کس که انتظار امر ما (ظهور مهدی (عج)) را بکشد مانند کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد .

در روایت دیگری می فرمایند :

هو كمن كان مع رسول الله (ص)

او (منتظر امام زمان (عج)) مانند کسی است که در کنار پیامبر خدا (ص) بوده است . پس باید انتظار کشید . باید کوشش نمود و جدیت به خرج داد که انتظار بر مومنین منتظر بس گوارا است .

امام صادق (ع) فرمودند :

فجدوا و انتظروا هنيئا ايتهما العصابت المرحومت

پس بکوشید و انتظار کشید که این انتظار گواریتان باد ای گروه رحمت شده .

چگونه انتظار بکشیم

این سوالی است که پیش از هر پرسش دیگری ذهن هر مسلمانی را به خود جلب می کند.

چگونه باید انتظار کشید؟ ما در زمان غیبت امام زمان (عج) چه وظیفه ای داریم؟
چه باید بکنیم که امام زمان (عج) از ما خشنود گردند؟

آشنایی با وظایف منتظر در زمان غیبت ما را یاری خواهند نمود که هرچه نیکوتر
انتظار قیام آن بزرگوار را بکشیم.

در اینجا اندکی از آن وظایف را برای شما عزیزان یادآوری می گردد:

۱- شناخت حضرت مهدی (عج): یکی از مهمترین وظایف ما در زمان غیبت

شناسایی آن بزرگوار است و باید بدانیم که مقصود از این شناسایی تنها آشنایی
علمی و یا تاریخی با آن حضرت نیست. بلکه باید به مقامات معنوی آن بزرگوار
عرفان پیدا کنیم و امید است در مرحله بعد به آن حضرت قلباً "محبت داشته باشیم".

۲- باید بدانیم که اگر از امام زمان خود دوریم. اگر حضرت مهدی (عج) غایب

است اگر رنج می کشیم همه و همه نتیجه ی اعمال زشت خود ماست. پس باید
خود را بسازیم. باید اعمالمان را اصلاح نماییم گویی همواره در مقابل مولایمان امام

زمان (عج) قرار داریم. حضرت مهدی (عج) نیز به این نکته نظر دارند آنجا که می

فرمایند:

فلیعمل کل امرئ منکم ما یقرب به من محبتنا و لیتجنب من کراهتنا و سخطنا.

هریک از شما باید به آنچه که به وسیله ی آن به دوستی ما نزدیک می گردد عمل

کند و باید از آنچه که به وسیله آن به ناخوشنودی و خشم ما می رسد بپرهیزد.

۳- پس از آنکه حضرت مهدی (عج) را شناختیم و اعمال صالح پیشه کردیم باید به دگرسازی و شناساندن آن بزرگوار به دیگران پردازیم و این وظیفه ای بس مهم و عظیم است .

۴- دعا: برای آن حضرت دعا کنیم و ظهور آن حضرت را از خداوند بخواهیم که خود او فرمود:

اکثروا الدعا بتعجيل الفرج و ان ذلک فرجکم

برای فرج بسیار دعا کنید که به راستی گشایش خود شما نیز در آن است .

دعای عهد را صبحها بعد از نماز حتما " بخوانیم . در قنوتهای نماز دعای فرج را فراموش نکنیم که دعا کردن برای آن حضرت از حقوقی است که آن بزرگوار به گردن ما دارند . و نیز دعای ندبه را که زبان حال یک فرد منتظر و شیدای شیعی و سرشار از معانی جالب و ژرف است در روزهای عید و هر جمعه صبح بخوانیم .

۵- صدقه : برای سلامتی آن حضرت صدقه بدهیم و پس از نمازهای یومیه

خواندن آیت الکرسی را برای سلامتی آن حضرت فراموش نکنیم .

۶- حل مشکلات و ناراحتیهای خود را از آن حضرت بخواهیم و مطمئن باشیم که

ایشان مناجاتهای ما را می شنود و به آن پاسخ می دهند . (ان شالله تعالی)

۷- از نواب عام آن حضرت فقههای بزرگ شیعه پیروی نماییم و بدانیم که به فرمان

حضرت در زمان غیبت تحت سرپرستی آنها هستیم .

۸- دو امر مهم یعنی انتظار فرج و صبر در مقابل ناملايمات را از خداوند متعال

مسئلت نماييم

پيرامون وظايف ما نسبت به حضرت ولي عصر (عج) مسائل بيشتري را مي توان

عنوان نمود که بيان آنها در اين مختصر نمي گنجد .

او کی میاید

يکي از پرسش هايي که در موضوع مهديويت مطرح است همواره مطرح شده، زمان

ظهور حضرت مهدي به عنوان آخرين ذخيره الهی است. به گونه اي که تاريخچه

اين سؤال به سال ها قبل از تولد آن حضرت باز مي گردد.

همواره ائمه معصومين عليهم السلام به عنوان روشنگران طريق هدايت پاسخ اين

پرسش را به عنوان يکي از اسرار الهی ياد آور شده اند و علم به وقت ظهور را ويژه

خداوند متعال، ذکر نموده و کسانی را که برای قيام آن حجت الهی وقت معين کنند،

دروغگو معرفی کرده اند.

در روايت مشهوري است که وقتی شاعر بلند آوازه شيعی "دعبل خزاعي" در محضر

هشتمين پيشوای شيعيان در ضمن قصيده خود سخن از ظهور و قيام حضرت مهدي

بر زبان جاری ساخت آن حضرت در حالی که سرشک از دیدگانش جاری بود، رو به

دعبل کرده فرمودند:

"ای خزاعی، همانا روح القدس بر زبانت این دو بیت را جاری ساخت. آیا می‌دانی این

امام کیست و چه زمانی قیام می‌کند؟"

آنگاه خود آن حضرت به معرفی آن امام پرداختند. سپس درباره زمان ظهور چنین

فرمود: "و اما درباره این که چه زمانی ظهور خواهد کرد، پدرم از پدرش و ایشان از

پدران خود و آنها از رسول گرامی اسلام نقل کرده‌اند که وقتی از آن حضرت پرسیده

شد چه زمانی قائم از ذریه شما ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: مثل او مثل قیامت

است که خداوند درباره زمان وقوع آن چنین فرمود: "هیچ کس جز او به هنگامش آن

را آشکار نمی‌سازد این امر بر اهل آسمان‌ها و زمین دشوار است [قیامت] جز ناگهان

به سراغ شما نمی‌آید." (۱) از آنجایی که حضرت مخفی بودن زمان ظهور را همانند

زمان قیامت و رستاخیز قلمداد فرموده است، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت.

- با مخفی بودن قیامت یک نوع آزادی عمل برای همگان پیدا می‌شود و از سوی

دیگر چون وقت آن به طور دقیق معلوم نیست و در هر زمانی احتمال وقوع آن وجود

دارد، نتیجه‌اش حالت آماده باش دائمی است و همین طور درباره قیام حضرت

مهدی (عج) است چرا که اگر تاریخ قیام آن حضرت تعیین می‌شد، هرگاه زمانش دور

بود، همه در غفلت و غرور و بی‌خبری فرو می‌رفتند و هرگاه زمانش نزدیک بود

ممکن بود آزادی عمل را از دست بدهند و اعمالشان جنبه اجباری به خود بگیرد.

- همانگونه که علم به زمان قیامت فقط در اختیار خداوند است، علم به زمان ظهور حضرت مهدی نیز در عهده خداوند است؛ به علاوه در سخنان فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام وقتی سخن از قیام حضرت مهدی رانده شده، از قیامت نیز یاد شده است و از این رو برخی ویژگی‌های آن همانند رستاخیز بزرگ و قیامت است. از آنجایی که خداوند در ادامه آیه مذکور، علم به قیامت را حتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز منتفی می‌داند، آنجا که فرموده است: "از تو می‌پرسند چنانکه گویا تو از چون و چند آن آگاهی، بگو همانا علم آن با خداوند است."

و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله و خود امام زمان نیز از زمان دقیق ظهور آگاهی ندارند و این که متأسفانه عده‌ای به خود جرات داده، به راحتی تعیین وقت ظهور می‌کنند، خود محل تامل است.

نه تنها این سؤال از اولین معصوم صلی الله علیه و آله پرسیده شده که آخرین معصوم علیه السلام نیز در جواب، چنین پاسخ فرمود: "و اما ظهور فرج همانا در اختیار خدا و علم الهی است و دروغ گفتند وقت گذاران."

و هم آن حضرت در آخرین توقیع خود به آخرین سفیر، ظهور را تنها در اراده و اختیار خداوند دانسته، چنین می‌فرماید:

"و ظهوری نخواهد بود مگر آنگاه که خداوند تبارک و تعالی اجازه فرماید."

از آنچه اشاره شد به خوبی به دست می آید که زمان ظهور، یکی از اسرار الهی است و دست اندیشه و فکر بشر از رسیدن به آن سخت کوتاه است.

و دیگر این که این امر خطیر، ناگهانی و غیر قابل پیش بینی صورت می پذیرد.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمودند: "مهدی از ما اهل بیت است که خداوند

امر(فرجش) را در یک شب اصلاح فرماید."

و در روایاتی چند ظهور آن حضرت به آمدن شهاب تشبیه شده است و غیر منتظره بودن شهاب، بسیار واضح است.

امام باقر علیه السلام پس از بیان غیبت حضرت مهدی (عج) فرمود: "... او همانند شهابی شعله ور فرا خواهد رسید."

و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این باره فرمود: "... در آن هنگام چون شهابی فروزان خواهد آمد.

البته آنچه گفته شد بدین معنا نیست که به کلی بحث زمان ظهور در روایات مورد اشاره قرار نگرفته، چرا که با بررسی روایات درباره زمان ظهور علاوه بر آنچه ذکر شد به موارد ذیل می توان دست یافت که بیانگر نوعی تعیین وقت فی الجمله است و نه به صورت دقیق:

۱- روایاتی که ظهور حضرت مهدی را در روز جمعه ذکر کرده اند.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: "و قائم ما اهل بیت در روز جمعه ظهور خواهد کرد."

۲- روایاتی که روز ظهور را مصادف با روز عاشورا ذکر کرده‌اند.

امام باقر علیه السلام در ضمن فرمایشاتی درباره روز عاشورا فرمودند: "و این

روز [عاشورا] روزی است که در آن قائم (عج) قیام خواهد کرد."

۳- روایاتی که ظهور حضرت مهدی را در سال فرد ذکر کرده است. امام صادق علیه

السلام فرمود: "قائم ظهور نمی کند مگر در سال فرد."

اما هیچ یک از موارد فوق دلالتی بر تعیین وقت ظهور ندارد. حال ممکن است به

ذهن متبادر شود که اگر خود امام نیز از زمان ظهور بی اطلاع است، پس چگونه

هنگامی که اراده الهی به ظهور تعلق گرفت آگاه خواهد شد؟

در این باره نیز روایات فراوانی است که با بیان بخشی از آن‌ها این نوشتار را به پایان

می‌بریم .

۱- آگاه شدن از طریق الهام

بدون شک ائمه معصومین علیهم السلام مورد الهام خداوند قرار می‌گیرند و اگر چه

وحی با رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله پایان گرفت، ولی در موارد فراوانی به اهل

بیت علیهم السلام الهاماتی شده و خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: هنگامی که خداوند اراده فرمود که امر ظهور را اظهار نماید، در قلب حضرت مهدی خطور خواهد شد و ایشان به امر الهی قیام خواهد فرمود.

۲- آگاه شدن آن حضرت از طریق برافراشته شدن پرچم قیام

در روایاتی چند اشاره شده که وقتی ظهور آن حضرت نزدیک شود و وقت قیام فرا رسد، پرچمی که آن حضرت هنگام ظهور در دست خواهد داشت، به اذن و اراده الهی برافراشته شده، آن حضرت از زمان قیام آگاه خواهد شد.

۳- آگاه شدن از طریق بیرون آمدن شمشیر از غلاف

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله نقل است که فرمودند: و برای او شمشیری است در غلاف؛ پس هنگامی که وقت ظهورش فرا رسید آن شمشیر از غلافش خارج می شود. پس آن شمشیر به سخن درآمده به حضرت می گوید خارج شو (قیام کن) ای ولی خدا! که دیگر نشستن در مقابل ستم دشمنان جایز نیست، پس او ظهور می کند.

در پایان ذکر این نکته خالی از فایده نیست که مخفی بودن زمان ظهور حضرت مهدی دارای حکمت‌هایی است فراوان که برخی از آنها عبارتند از:

الف- زنده نگه داشتن روح امید و انتظار در جامعه در طول غیبت حضرت مهدی(عج)، چرا که در صورت معلوم بودن زمان ظهور، به کلی بحث انتظار با تمامی آثار تربیتی آن بی معنا خواهد بود.

ب- معنا پیدا کردن امتحان شیعیان در عصر غیبت، که در صورت مشخص بودن وقت ظهور دیگر امتحان و آزمایش شیعیان مفهومی نداشت و از این رو دائما شیعه خود را در حال امتحان شدن می داند.

ج- غافلگیر کردن مخالفان و دشمنان. چرا که یکی از حکمت های غیبت حضرت مهدی(عج) تلاش دشمنان برای نابودی آن حضرت بود. از این رو، روشن بودن زمان ظهور، دشمنان را برای مقابله و از بین بردن آن حضرت آماده می ساخت. در حالی که نا معلوم بودن و ناگهانی بودن زمان ظهور باعث غافلگیری دشمنان نیز خواهد شد. در انتظار ظهور اقام

دیر هنگامی است که چشمان ما انتظار به راهت دوخته و جان و دل به شراره های اشتیاق ، سوخته ایم . باغ آرزوها به شوق بهار روی تو خزان ها را می شمارد و چکامه های خونین شقایق را می نگارد و نرگس ها داغ هجر تو به سینه دارند . عروسان چمن جز به مژده جمال دل آرایت سر ز حجله عیش برنیارند .

مهدیا !

معراج نشینی بگذار و از پرده غیب به درآی و رخسار محمدی بنمای؛ که خیل
منتظران به جان آمده از حقارت و عیدهای دنیایی، چشم بر بلندای وعده دیدار تو
دارند.

ای گوشواره عرش الهی! آرمان انتظار را به کوله بار صبر و یقین، بر دوش می کشیم
و به ترنم آوای ظهور سر خوشیم، هر بامداد، یاد طلوع تو را در سینه می پرورانیم و
پرتو چهره تو را در دیده نقش می زنیم. عمری است که اشک هایمان را در کوره
سوزان حسرت ها انباشته ایم و انتظار جمعه ای را می کشیم که جویبار ظهورت از
پشت کوههای غیبت سرازیر شود. تا آن کوره بدان آب خاموش سازیم و آن حسرت
ها را به دریا ریزیم. و سبکبار، تن خسته مان را در زلال آن بشوییم.
ای امید بی پناهان، بیا... بیا.

از ثری تا به ثریا، دل های بی قراران، شیدای یک نگاه توست. از سوی تا ما سوی
جان های بی پناهان، نثار قدم های تو باد.

بیا و روزه داران را به افطار فرج بنشان و فضای عهد انتظار را دستی برافشان.
بارالها: در این هنگام، و برای همیشه ولی امرت، امام زمان حجة بن الحسن را
که درودهایت بر او و پدارنش باد سرپرست و نگهدار و رهبر و یاور و رهنما و
نگهبان باش، تا گیتی را به فرمان او آوری و تا دیر زمان بهره مندش گردانی
انتظار!!

راستی معنی انتظار چیست؟ اصلا به این فکر کرده ای که انتظار کشیدن یعنی چه؟
حتما تا به حال انتظار چیزی یا کسی را کشیده ای. انتظار این که در صف نوبت
بشود یا معلم تو را برای درس پرسیدن صدا کند یا کسی چیزی برایت بیاورد.
اینها هم انتظار کشیدن است، اما زود به سرانجام می رسد. حداکثر یک هفته تا دو
هفته بلندترین انتظارها و بیشترین صبرها هم به سر می رسد و منتظر به آن چه که
انتظارش را می کشیده، می رسد.

اما اگر انتظار چیزی را بکشی که معلوم نیست کی به سرانجام می رسد، چه می
کنی؟

این جاست که منتظر واقعی معلوم می شود. معلوم می شود که چه کسی ظرفیت
انتظار کشیدن را دارد و چه کسی زود حوصله اش سر می رود و به دنبال چیزهای
دیگر می رود.

حالا باز هم فکر کن. بین چیزی هست که ارزش انتظار کشیدن را داشته باشد و تو
به عنوان یک انسان بتوانی منتظر آمدن یا رسیدن آن باشی؟

پدر و مادر و تولد

پدر بزرگوار امام زمان (ع) حضرت امام حسن عسگری (ع) امام یازدهم شیعیان
است به نقل از شیخ مفید امام حسن عسگری (ع) در مدینه در ۲۴ ربیع الاول سال

۲۳۲ متولد شد و در سال ۲۶۰ در سن ۲۸ سالگی در منزل خود در سامرا به شهادت رسید.

مادر بزرگوار امام زمان (ع) "ملیکه" است که از طرف پدر دختر "یشوعا" فرزند امپراطور روم شرقی بود و از طرف مادر نوه ی شمعون از یاران حضرت عیسی (ع) و وصی او به شمار می رفت.

او با اینکه در کاخ می زیست و با خاندان امپراطوری زندگی می کرد اما انچنان پاک و با افت بود که گویی شباهت به خانواده ی خود ندارد بلکه به مادر و خانواده ی مادری کشیده و زندگیش همچون زندگی شمعون و عیسی (ع) و مریم (ع) از صفا و معنویت و پاکی خاصی برخوردار بود از این رو دوست داشت که با خانواده ی پاک و خدا پرست وصلت کند و به توحیدیان پیوندد خداوند او را در این هدف کمک کرد و او را به طور

ملیکه یا نرجس خاتون به خانه ی امام حسن (ع) وارد شد امام هادی (ع) به خواهرش حکیمه فرمود:

او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز او همسر فرزندانم حسن و مادر مهدی آل محمد (ص) خواهد بود آنگاه به نرجس رو کرد و فرمود:

"مژده باد تو را به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکومتش پر از عدالت و دادگری می کند پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد."

از صفات این مادر بزرگوار میتوان: ریحانه-صقیل-سوسن و سیده نام برد.

مسکن امام زمان

فهمی: در زمان غیبت مسکن امام زمان کجاست؟ هوشیار: مسکن آن جناب تعیین نشده

و شاید مسکن معنی نداشته باشد و به طور ناشناس، در بین مردم زندگی رفت و

آمد کند. و ممکن است نقاط دور افتاده را برای زندگی انتخاب کند. در احادیث وارد شده

است که: در موسم حج حاضر میشود و در اعمال حج شرکت میکند و مردم را می شناسد اما

مرد و اورانمی شناسند. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۲

فهمی: من شنیده ام که: شیعیان عقیده دارند که امام زمان در شهر سامره، در همان

سردابیکه من سوب باوست و محل زیارت است، غائب شده و در همان جازندگی می

کند و از همانجا ظهور میکند. اگر در آن سردابست چرا دیده نمی شود؟ یکی برایش آب

و غذایی برد چرا از آن جا خارج نمیشود؟ یکی از شعرهای عرب اشاره ی در این موضوع

سرود بین مضمون: ایا وقت آن نشده که سرداب برون آرد آنچه را شمارا بگمان خودتان

انسانش مینامید؟ خاک بر خوردهای شما که برای عنقا و غول خیالی، موجود سومی

راتوهم کرده اید.

هوشیار: این نسبت دروغ محض و از روی عناد صادر شده است، شیعیان چنین عقیده ای

ندارند.

در هیچ روایتی گفته نشده که: امام دوازدهم در سرداب زندگی می کند و در آنجا ظهور می کند، هیچ یک از دانشمندان شیعه هم چنین مطلبی را نفرموده اند. بلکه در احادیث منصوص است که در بین مردم زندگی و رفت آمد می کند. سدید صیرفی از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: صاحب الامر از این جهت بایوسف شباهت دارد که برادران یوسف با اینکه عاقل و دانا بودند هم با وی معاشرت داشتند، وقتی

وارد بر او شدند تا خود را معرفی نمود او را نشناختند، و با اینکه بین او و یعقوب بیش از هجده روز راه فاصله نبود، یعقوب از وی اطلاعاتی نداشت پس چرا مردم آن کار می کنند که خداهمین عامل را نسبت به حجت خود حضرت صاحب الامر نیز انجام دهد؟! آنجناب هم، در بین مردم تردد کند و در بازارشان راه برود و بر فرشتگان قدم بگذارد ولی او را نشناسند و به همین وضع زندگی

کنند تا هنگامی که خدا اذنش دهد که خودش

را معرفی نماید. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۴

شناخت

با براهین عقلی یاد شده، روشن شن شد که مهدی شخصی است و وجود خارجی دارد و هم اکنون زنده است و حضرتش دارای فضیلت عصمت و دانش فوق دانش بشر و مؤید من عند الله است. پدانش، پاک ترین پاکان در تاریخ بشر بوده اند. نژاد و تبارش شریفترین نژاد و تبار. اکنون وقت آن رسیده که بر سراغ شناخت حضرتش برویم

و بدانیم که کیست؟ حضرتش از دو دمان رسول خدا (ص) و پسر فاطمه زهرا و فرزند علی مرتضی (ع) است. از نژاد امام حسین و ندواده امام حسن مجتبی است و بانه پشت به امیر مؤمنان و فاطمه زهرامی رسد. پدر بزرگ گوارش حضرت امام حسن عسکری، یازدهمین امام و وصی و جانشین پیامبر بزرگ اسلام است. خودش دوازدهمین امام و پیشوای خلق جهان است. نام نامی اش، نام رسول خدا (ص)؛ کنیه گرامی اش، کنیه رسول خدا (ص)؛ خلقش، خلق رسول خدا (ص)؛ خویش، خوی رسول خدا (ص)؛ دانش عصمتش، دانش عصمت رسول خدا (ص)؛ خورش، خون رسول خدا (ص)؛ پیکرش، پاره ای از پیکر رسول خدا (ص). و پرروشن است که هنیا کانش از با فضیلتترین مردم تاریخ بشر بوده و هستند و همانندشان در تقوا و طهارت عدر میان خلق جهان نیست.

آثار انتظار

انتظار فرج از آن جهت مورد تأکید و توصیه اهل بیت (ع) قرار گرفته است که در انسان منتظر امید به آینده ایجاد خواهد کرد و همین امید، نقش بزرگی را در سعی و کوشش ایفای می کند. امیر مؤمنان و امام عارفان (ع) توصیه می فرمایند که انتظار فرج و گشایش از جانب خدا داشته باشید و از رحمت او ناامید نباشید که محبوب ترین اعمال نزد خدای (عزوجل) انتظار فرج و گشایش است ((انتظروالفرج ولا تياسوا من روح الله، فإن أحب الأعمال إلى الله عزوجل إنتظارالفرج)) بحار ج ۵۲ ص ۱۲۳. سید ساجدان (ع) می

فرماید: انتظار فرج داشتن خود از بزرگ ترین فرج هاست ((انتظار الفرج من اعظم الفرج)) همان ص ۱۲۲ سرش آن است که اگر اندیشه ی کسی این باشد که هیچ تلاشی برای اصلاح امور ثمر ندارد و به نتیجه نمیرسد، انگیزه ای برای مبارزه با طاغیان و مقاومت در برابر دشواری ها نخواهد داشت. اما اگر کسی به آینده امیدوار باشد و بداند که هدیر یازود حکومت زمین به صالحان خواهد رسید، امور جامعه اصلاح خواهد شد، حق به صاحبانش خواهد رسید، ظلم، ستم و بیداد رخت بر خواهد بست و.. برای رسیدن به چنان جامعه ای نه تنها خود سازی خواهد کرد بلکه تلاش میکند تا با دگر سازی زمینه تلاش آن دولت کریمه را فراهم آورد. از این جهت منتظر واقعی مصلح جهان نه تنها خودش صالح است بلکه در حد توان خود مصلح نیز خواهد بود.

انتظار واقعی

انسان از چیزی یا کسی پاسدار میکند یا انتظار آن رامی کشد که او را بشناسد و نسبت به او معرفت داشته باشد. اگر شناخت و معرفت، صحیح و شایسته باشد انتظار نیز واقعی خواهد بود. از جهت انسان در عصر غیبت یا منتظر واقعی است یا گرفتار جاهلیت و عدم شناخت و معرفت صحیح؛ زیرا: ۱- در بسیاری از روایات آمده است زمین از جهت خدا خالی نخواهد ماند ((إن الله جل وعز وجل وأعظم یترک الأرض بغیر امام عادل)) اصول کافی ج ۱ ص ۱۷۸. حتی در برخی روایات آمده است: اگر زمین از جهت الهی خالی

گرد زمین اهلس رافرو خواهد برد: ((لو بقیت الأرض بعیر امام لساخت)) همان
ص ۱۷۹. از صادق آل محمد (ص) نیز رسیده است: از زمانی که خدای سبحان زمین را خلق
کرده تا هنگام برپایی قیامت زمین از حجت خدا خالی نبوده و نخواهد بود؛ چون اگر او
نباشد عبودیت خدا تعطیل خواهد شد لیکن این حجت گاهی ظاهر و شناخته شده و گاهی
غایب و مستور است: ((لم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجه لله
فیها، ظاهر مشهور او غایب مستور و إلى أن تقوم الساعة من حجت لله فیها و لولا ذلك لم
یعبده الله بحارج ۵۲ ص ۹۲. از خود امام عصر (ع) نیز رسیده است که: من مایه ی امنیت اهل
زمین هستم چنان که ستارگان مایه ی امنیت برای اهل آسمان هستند: ((أنی لأمان
لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء)). همان. بنابراین در تمام اعصار - از جمله
این عصر - حجت الهی در میان بندگان او حضور دارد، از این رو شیعه معتقد است که
مهدی موعود متولد شده و زنده و حجت عصر است. این که گاهی تعبیر به ((مهدی
موعود موجود)) میکنیم، سرش همین است و گرنه اصل موعود بودن مهدی مورد قبول
بسیاری فرق است. آن چه که شیعه اثنا عشری را از دیگران ممتاز میکند اعتقاد به
موجود بودن مهدی موعود است.

نقش انتظار فرج در سازندگی انسان

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عج) و اینکه سرانجام نزاعها و جنگها و زحمتها، صلح
وصفا و امنیت و آسایش است، سبب میشود که ماسان خود را بسازد و شرایط لازم برای

قرار گرفتن در صف و منتظران واقعیرایدا کند و این افتخار نصیبش شود که یکی از زمینه سازان حکومت مهدی موعود (عج) باشد. انتظار فرج باعث میشود که فرد مسلمان آنچه در تون دارد، به کارگیری سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و جسمی و مادی و معنوی خود را بالا ببرد تا بتواند پیاده کردن آن اصلاحات عمیق و همه جانبه و گسترش قسط و عدل یکتا پرستی در سراسر گیتی سهیم باشد. کسی که خود فاسد و ناصالح است، نمی تواند در انتظار حکومتی باشد که با افراد فاسد به شدت مبارزه می کند و آن ها را از خود می راند. اعتقاد به این که سرانجام، کره ی زمین از شرک مستکبران و ظالمان نجات یافته و اصلاح خواهد شد و به تمام تبعیضها و نابسامانیها خاتمه داده میشود، انسان را وارد می کند که خود ظلم نکند و دنبال فاسد و بی بندوباری نرود در حد امکان با آنها مبارزه کند. انتظار فرج و ظهور مصلح کل حضرت صاحب الزمان (عج) در حقیقت به معنای آماده باش کامل فکری، علمی، مادی و معنوی است. چنین فردی باید خود را بسازد و شایستگی شرکت در چنین برنامه

بزرگی را به دست آورد. بنا بر این لازمه ی فرج این است که ابتدا خود را بسازیم و رفتار و گفتارمان مورد پسند خدا و رسول (ص) باشد و سپس به سازندگی جامعه و تربیت دیگران، به خصوص خانواده و نزدیکانمان بپردازیم با توجه به این تلازم، میشود که بینش انتظار و ظهور حضرت مهدی (عج) و اعتقاد به آمادگی مادی و معنوی برای ظهور آن حضرت، در سازندگی و تربیت انسان بسیار مؤثر و نقش آفرین است. از این

رو، در روایات مربوط به انتظار فرج آمده است که مسلمان باید امام زمان خود را بشناسد و رفتار و گفتارش به گونه ای امام پسند باشد و آن حضرت را شاهد و ناظر اعمال خود بداند. و در این صورت است که در زمره ی منتظران واقعی ظهور حضرت حجت (ع) محسوب خواهد شد. امام محمد باقر (ع) در این باره فرمود:

((من مات وهو عارف لامامه كان كمن هومع القائم في قسطاطه)) بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۴۲

در این روایات و نظایر آن به شناخت امام اشاره شده است؛ یعنی اجر و پاداش و ارزش حقیقی مربوط به مسلمانان منتظری است که امام خود را بشناسد. روشن این است که مراد از شناخت امام تنها دانستن نام و خصوصیات و صفات آن حضرت نیست، بلکه باید علاوه بر آنها هدف امام را بشناسد و رفتار و گفتارش مورد پسند ایشان باشد و خود را برای پیاده کردن اهداف حیات بخش انسان ساز آن مصلح کل، آماده کرده باشد. چنین شناختی او را از بدی ها، تنگ نظریها، اختلاف ها و حسادت ها باز میدارد و وی را به خوبی ها و کمالات انسانی سوق میدهد و تحول و انقلابی ژرف در فکر عمل او ایجاد میکند.

نقش انتظار فرج در سازندگی جامعه

جامعه از انسان های مختلف با افکار، اهداف، آرزوها، رفتار و گفتار گوناگون و با سطوح مختلف مادی و معنوی تشکیل میشود. هر یک از افراد اجتماع از یک سو بر جامعه ای که در آن زندگی می کنند، به میزان شخصیت و وجودی خود تأثیر میگذارد و از سوی

دیگر، از جامعه تأثیر میگذارد. این تأثیر پذیری تا حدود زیادی متقابل بوده، انکار ناپذیر است. بنابراین تغییر افکار، اهداف، رفتار و گفتار تک تک انسان ها در حد خود به منزله ی تغییر مکانیسم و ساختار جامعه محسوب میشود. انتظار فرج و امید به آینده ای درخشان تغییر اصاصی در رفتار و گفتار انسان ایجاد میکند؛ پس همان گونه که انتظار فرج در سازندگی یکایک ناسان ها مؤثر است، در سازندگی جامعه نیز که از همان انسان ها تشکیل شده است، تأثیر خواهد گذاشت.

جهان پس از ظهور حضرت مهدی (عج)

احديث بيان گراين مطلب است كه وقتى مهدى موعود (عج) ظهور كرد و در جنگ با دشمنان دين پيروز شد و بر شرق و غرب جهان تسلط يافت تمام زمين اربه وسيله ي يك حكومت جهانى اسلامى اداره ميكند، استناداران لايقى با برنامه ي كار و دستورات لازم به تمام استان ها گسيل مى دارد دلايل الامامه، محمد بن جريد طبرى، ص ۲۴۹. بر اثر كوشش و جدت چنين استنادارانى تمام زمين آباد ميگردد. حضرت مهدى (عج) نيز خود از دور، تمام حوادث و جريانات كشور پهناء و اسلامى را زير نظر دارد و تمام نقاط زمين بر ايش مانند كف دست نمايان است، اصحاب و ياران نيز از فاصله هاى دور، ايشان را مشاهده كرده، با حضرتش صحبت ميكنند. عدل و داد تمام زمين را فرامى گيرد، مردم با هم مهربان شده با صدق و صفادر كنار يكديگر زندگى مى كنند، امنيت عمومى جامعه را فرا مى گيرد و كسى در صدد آزار ديگرى نيست، وضع اقتصادى مردم بسيار خوب ميشود به طورى كه مستحق زكات پيدا نميشود، باران هاى سودمند پيديرى ميبارد، تمام زمين سبز و خرم گشته، بر كات و محصولات زمين زياد ميشود، اصلاحات لازم در امور كشاورزى به عمل مى آيد، توجه مردم به خدا زياد شده گرد گناه نمى گردند، اسلام دين رسمى جهان شده، بانگ توحيد از همه جا بلند ميشود.

ظهور دجال

یکی از نشانه ها و علائم ظهور حضرت مهدی (عج) خروج دجال است. در روایات برای دجال صفات گوناگون و عجیبی ذکر شده است. به عنوان مثال گفته اند:

او فقط دارای یک چشم است که مانند ستاره می درخشد و در پیشانی وی واقع شده

است، کوهی از خوراک و نهری از آب، همیشه به همراه دارد و بر الاغ سفید سوار است که

هر گامش یک میل راه است و... اصل قضیه خروج دجال ظاهر ادرست است. ولی این

موضوع با افسانه های گوناگون آمیخته شده است به احتمال بسیار زیاد صفاتی که

برای دجال ذکر شده رمزی است و به اغفالگری او امکانات مادی اش و ابزار تبلی غاتی

فراوانی که در اختیار دارد اشاره می کند زیرا همان طور که از روایات نیز برمی

آید مراد از دجال تنها یک فرد نیست بلکه دجال عنوانی است کلی برای افراد مکار و حقه

باز که برای فریب و جلب توجه مردم از امکانات زیادی استفاده

میکنند. از نظر لغت، کلمه ((دجال)) به دروغ گو و حقه بازی اطلاق میشود. در انجیل نیز

این کلمه زیاد به کار برده شده است. در رساله ی اول ((یوهنا)) چنین میخوانیم:

دروغ گو کیست، جز آن که مسیح بودند عیسی را انکار کنند، آن دجال است که

پسر و پدر را انکار میکند. رساله ی یوحنا، باب ۲، آیه ی ۲۲